

برآورد روند سرمایه فرهنگی در ایران*

سیدکمال صادقی^۱ * رضا رنجپور^۲ * محمدعلی متفکرآزاد^۳ * احمد اسدزاده^۴ * سعید گرشاسبی فخر^۵

چکیده

هدف این مقاله، مطالعه اجزای سرمایه فرهنگی و تخمین آن برای استان‌های ایران است. طبق تعریف تراسبی، سرمایه فرهنگی ذخیره‌ای از ابزارهای فرهنگی ملموس و ناملموس شامل ساختمان‌ها، ساختارها، مکان‌ها و موقعیت‌هایی با بار معنایی فرهنگی، آثار هنری و صنایع دستی و مجموعه‌ای از ایده‌ها، اعمال، باورها، سنت‌ها و ارزش‌هاست. با استفاده از ۳۶ متغیر مرتبط با سرمایه فرهنگی، داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری و نرمالیزه شد و سرمایه فرهنگی و روند آن برای ۲۸ استان در بازه زمانی ۹۲-۱۳۸۳ محاسبه شد. نتایج نشان می‌دهد: استان مرکزی دارای بالاترین میانگین سرمایه فرهنگی و سیستان و بلوچستان دارای پایین‌ترین میانگین سرمایه فرهنگی است. به‌طور میانگین، بالاترین سرمایه فرهنگی کشور در دوره مورد بررسی مربوط به سال ۱۳۹۱ و پایین‌ترین مربوط به سال ۱۳۸۴ است.

واژگان کلیدی: فرهنگ، سرمایه فرهنگی، تولید ناخالص داخلی، تحلیل عاملی و طبق‌بندی.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال چهارم • شماره پانزدهم • تابستان ۹۴ • صص ۱۹۲-۱۵۵

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱۲/۲۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۳/۳۰

- * این مقاله برگرفته از رساله دکتری سعید گرشاسبی فخر با عنوان «بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر تولید ناخالص داخلی در استان‌های ایران» در دانشگاه تبریز است.
۱. دانشیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و بازرگانی دانشگاه تبریز (sadeghiseyedkamel@gmail.com).
 ۲. استادیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و بازرگانی دانشگاه تبریز (reza.ranjpour@gmail.com).
 ۳. استاد دانشکده اقتصاد، مدیریت و بازرگانی دانشگاه تبریز (motafakker@tabrizu.ac.ir).
 ۴. دانشیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و بازرگانی دانشگاه تبریز (assadzadeh@tabrizu.ac.ir).
 ۵. استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی (ره)، نویسنده مسئول (garshasebi.saeid@yahoo.com).

مقدمه

چند دهه بیشتر از طرح مفهوم سرمایه فرهنگی نمی گذرد. این مفهوم نشان دهنده پیوند حوزه اقتصاد و فرهنگ است. فرهنگ را می توان مجموعه ای از ارزش ها، عقاید، سنت ها، آداب و رسوم و جز آن دانست که تبیین کننده سبک زندگی فرد و جامعه است. سرمایه فرهنگی نیز به طور ساده و خلاصه به مجموعه هنجارها، ارزش ها و توانایی های فرهنگی گفته می شود که فرد از محیط در فرایند اجتماعی شدن دریافت می کند و در تأثیر گذاری بر منابع کمیاب جامعه و دستیابی به انواع دیگر سرمایه به وی کمک می کند. یکی از حوزه های اقتصادی که سرمایه فرهنگی می تواند بر آن تأثیر بگذارد، تولید ناخالص داخلی است. تولید ناخالص داخلی سرانه و افزایش مستمر آن در یک کشور، به عنوان معیاری برای سنجش عملکرد اقتصادی یک جامعه مطرح است و افزایش نرخ آن به بهبود رفاه اجتماعی منجر می شود. در گذشته، اکثر اقتصاددانان بر تشکیل سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی به عنوان عامل اصلی افزایش دهنده تولید ناخالص داخلی تأکید داشتند، اما در حال حاضر اهمیت سرمایه فرهنگی به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر تولید ناخالص داخلی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است، به نحوی که یافته های جدید در زمینه اقتصاد فرهنگ، تأکید می کند: سرمایه گذاری در فرهنگ و به عبارت بهتر سرمایه فرهنگی، می تواند یکی از عوامل مهم مؤثر بر تولید ناخالص داخلی باشد. با فرض ثابت بودن سایر شرایط، سرمایه فرهنگی، منبع اصلی بهره وری بالا بوده و انباشت سرمایه فرهنگی می تواند به طور مثبت از طریق تشکیل سرمایه انسانی مولدتر در افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه سهمیم باشد (Bucci & Segre, 2011:279). به عبارت دیگر عوامل محیطی و اجتماعی پیرامون، که سبب نهادینه شدن برخی ارزش ها و هنجارها در درون یک فرد می شود و در واقع تشکیل دهنده سرمایه فرهنگی هستند، نقش تعیین کننده ای در افزایش بهره وری افراد جامعه دارند.

نکته مهم این است که تاکنون در اکثر قریب به اتفاق مطالعات و بررسی های مربوط

به عوامل مؤثر بر تولید ناخالص داخلی سرانه در ایران، نقش سرمایه فرهنگی یا به کلی نادیده گرفته شده و یا چندان به آن توجه نشده است. بسیاری اوقات نیز در مورد تأثیر رفاه و اقتصاد بر فرهنگ صحبت شده است. بنابراین تخمین و برآورد سرمایه فرهنگی در کشور از اهمیت بالایی برخوردار است تا در مطالعات مرتبط اقتصادی به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر تولید ناخالص داخلی و رشد آن به کار گرفته شود. هدف مقاله حاضر، تلاش برای کمی کردن و تخمین سرمایه فرهنگی و اجزای آن در میان استان‌های ایران است.

۱. مبانی نظری تحقیق

۱-۱. تعریف سرمایه فرهنگی

یکی از ابزارهای پر کردن شکاف میان علم اقتصاد و فرهنگ، مطرح کردن رهیافتی برای بازنمایی پدیده‌های فرهنگی است که ویژگی‌های ذاتی این پدیده‌ها را به شکلی در بر می‌گیرد که هم در گفتمان اقتصادی و هم در گفتمان گسترده‌تر فرهنگی قابل درک است. چنین ابزاری به وسیله مفهوم سرمایه فرهنگی فراهم می‌شود (تراسبی، ۱۳۹۲: ۶۷). اصطلاح سرمایه فرهنگی نخستین بار توسط پیر بوردیو^۱ به ادبیات علوم اجتماعی و انسانی وارد شده است. بنابراین ابتدا به ارائه تعریف و تبیین وی از سرمایه فرهنگی اشاره می‌شود و در ادامه سایر تعاریف مطرح شده به اختصار و در نهایت تعریف مورد استفاده در این پژوهش ارائه خواهد شد.

از نظر بوردیو، سرمایه فرهنگی به معنای قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد و دربرگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته می‌شوند. به عبارت دیگر، سرمایه فرهنگی به معنای صورت‌هایی از دانش، مهارت‌ها، آموزش و مزایایی است که یک انسان واجد آن است و به او اجازه می‌دهد جایگاه بالاتری در جامعه کسب کند. بر اساس این دیدگاه، پدران و مادران به فرزندان خود (با انتقال نگرش‌ها و معرفت‌هایی که در سیستم آموزشی جاری، به موفقیت آنان کمک می‌کند) سرمایه فرهنگی می‌بخشند. از این نظر، سرمایه فرهنگی به مجموعه‌ای از توانمندی‌ها، عادت‌ها و طبع‌های فرهنگی، شامل دانش، زبان، سلیقه یا ذوق و سبک زندگی دلالت دارد. از نظر بوردیو سرمایه فرهنگی به سه دسته تقسیم می‌شود:

1. Pierre Bourdieu

۱. متجسم: ^۱مشمول بر هر دو گونه مکتوبات آگاهانه و میراث‌بری‌های منفعلانه یک شخص است. نکته‌ای که بوردیو بر آن تأکید می‌گذارد، آن است که سرمایه فرهنگی به صورت خودانگیخته منتقل نمی‌شود، بلکه نتیجه‌ای است که در طول زمان خود را در یک شخص (شخصیت و نحوه تفکر) مجسم می‌سازد.

۲. عینیت یافته: ^۲سرمایه‌های فرهنگی که به صورت اعیان فیزیکی به تملک درآمده است (مانند ابزارهای اندازه‌گیری علمی یا آثار هنری).

۳. نهادینه: ^۳گونه‌ای از سرمایه فرهنگی که اغلب به صورت اعتبارها یا کیفیات علمی یک فرد شناخته می‌شود (Bourdieu, 1986:241).

به‌طور خلاصه از نظر بوردیو، سرمایه فرهنگی به مجموعه هنجارها، ارزش‌ها و توانایی‌های فرهنگی اطلاق می‌شود که فرد از محیط، در فرایند اجتماعی شدن دریافت می‌کند و در تأثیرگذاری بر منابع کمیاب جامعه و دستیابی به انواع دیگر سرمایه به وی کمک می‌کند. از نظر وی، این سرمایه به وسیله والدین طبقه متوسط، از طریق توانایی‌های زبانی و فرهنگی به فرزندان انتقال می‌یابد که در مدرسه به آنها نیاز دارند و برای آنها به‌عنوان یک سرمایه عمل می‌کند (مظلوم و اصغرپور، ۱۹۳: ۱۳۸۴).

از نظر تراسبی، منظور از سرمایه فرهنگی، ذخیره‌ای از ابزارهای فرهنگی ملموس و ناملموس شامل ساختمان‌ها، ساختارها، مکان‌ها و موقعیت‌هایی با بار معنایی فرهنگی، آثار هنری و صنایع دستی و مجموعه‌ای از ایده‌ها، اعمال، باورها، سنت‌ها و ارزش‌هاست (Throsby, 1999:3). بر این اساس، سرمایه فرهنگی به دو صورت وجود دارد که در ادامه به توضیح آنها می‌پردازیم.

۱-۱-۱. سرمایه فرهنگی ملموس

سرمایه فرهنگی ممکن است ملموس باشد، یعنی به شکل بناها، محل‌ها، مکان‌ها، مناطق، آثار هنری مثل نقاشی‌ها و مجسمه‌ها، مصنوعات و نظایر آنها باشد. سرمایه فرهنگی شامل، اما نه محدود به میراث فرهنگی ملموس است، چنین سرمایه‌ای شاید واجد همان ویژگی‌های ظاهری سرمایه مادی یا انسانی باشد. مثل سرمایه فیزیکی (مادی) که به وسیله

-
1. Embodied
 2. Objectified
 3. Institutionalized

فعالیت انسانی به وجود می‌آید، برای دوره‌ای از زمان می‌پاید، اگر دوام نیابد می‌تواند از بین برود، به مرور زمان موجب جریانی از خدمات شود، می‌تواند از طریق سرمایه‌گذاری منابع جاری در تولید آن، افزایش یابد، معمولاً می‌تواند خرید و فروش شود و دارای ارزش مالی قابل اندازه‌گیری است. این صورت از سرمایه فرهنگی به تفسیر خاصی از فرهنگ به مثابه مجموعه‌ای از فعالیت‌ها اشاره دارد که شامل تمام فعالیت‌هایی می‌شود که درون صنایع مشهور به صنایع فرهنگی قرار می‌گیرد. صنایع فرهنگی به گونه‌ای از صنعت اطلاق می‌شود که به خلق ایده، تولید، توزیع محصولات و خدماتی می‌پردازد که ماهیت فرهنگی دارند و مخاطب آنها جنبه‌ها و ابعاد فرهنگی فرد و جامعه است و از آنجایی که تولید محصولات و خدمات فرهنگی بر خلاقیت، مهارت، دانش و استعداد تولیدکنندگان آن استوار است، صنایع فرهنگی را صنایع خلاق نیز می‌گویند. در واقع، به صناعی خلاق گفته می‌شود که بتواند از خلاقیت، مهارت و استعداد فردی به‌عنوان یک مزیت و استعداد بالقوه در ایجاد ثروت و شغل از طریق تولید و بهره‌برداری از مالکیت معنوی استفاده کنند. بنابراین صنایع فرهنگی خلاق، با تولید نیازهای جدید، نه تنها می‌توانند باعث تولید مصرف‌کنندگان فرهنگی جدید در جامعه باشند، بلکه همچنان با تشدید مصارف فرهنگی می‌توانند انباشت فرهنگی را که نیازمند ارتقای سرمایه فرهنگی در جامعه است، موجب شوند.

صنایع فرهنگی را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: ۱. صنایع فرهنگی هنری: سینما، تئاتر، هنرهای تجسمی، موسیقی و نمایشگاه‌های هنری صنایع دستی و دکوراسیون و طراحی، ۲. صنایع فرهنگی چندرسانه‌ای: ماهواره، رادیو و تلویزیون، وبسایت‌های اینترنتی و تبلیغات، ۳. صنایع فرهنگی مکتوب: کتاب، نشریات و روزنامه‌ها و ۴. صنایع فرهنگی سرگرمی: موزه‌داری، جشنواره‌ها، تفریحات، گردشگری، اسباب‌بازی و بازی‌های رایانه‌ای (سپهرنیا و دیگران، ۱۳۹۱).

۲-۱-۱. سرمایه فرهنگی ناملموس

سرمایه فرهنگی ممکن است ناملموس باشد؛ به‌صورت سرمایه معنوی به شکل ایده‌ها، اعمال، عقاید و ارزش‌هایی باشد که در یک گروه مشترک است. البته این شکل از سرمایه فرهنگی به شکل آثار هنری از قبیل موسیقی و ادبیات نیز وجود دارد که کالاهای عمومی

هستند. این تفسیر از سرمایه فرهنگی، چیزی است که می‌توان دیدگاهی جامعه‌شناختی یا انسان‌شناختی نامید، آنجا که فرهنگ به مثابه مجموعه‌ای از نگرش‌ها، اعمال و عقاید در نظر گرفته می‌شود که برای پیشبرد جوامع متفاوت، ضرورتی بنیادین دارد. فرهنگ به این معنا در ارزش‌ها و در رسوم یک جامعه خاص بیان می‌شوند که در طول زمان و مادامی که از یک نسل به نسل دیگر انتقال داده می‌شود، نمو می‌یابد (Throsby, 1999: 202). تعریف سرمایه فرهنگی که در این پژوهش، مرتبط با آنچه توسط تراسی ارائه شده، مورد استفاده قرار گرفته است.

۱-۲. شاخص‌های تشکیل دهنده سرمایه فرهنگی

همانطور که در تعریف تراسی آمد، منظور از سرمایه فرهنگی، ذخیره‌ای از ابزارهای فرهنگی ملموس به علاوه ایده‌ها و باورها و ارزش‌هاست، از این رو برای محاسبه و بررسی آن باید شاخص‌هایی در نظر گرفته شود که تا حد ممکن این موارد را پوشش دهد. مهم‌ترین محدودیتی که این تحقیق با آن مواجه است، عدم دسترسی به آمار تمامی متغیرهای مرتبط با سرمایه فرهنگی است، از این رو با توجه به این محدودیت و عنایت به این نکته که هدف اصلی این مقاله، مقایسه سرمایه فرهنگی میان استان‌هاست، در نهایت ۵ شاخص کلی و مهم که نماینده‌ای از سرمایه فرهنگی هر استان است، مورد بررسی قرار گرفت. این ۵ شاخص عبارتند از: ۱. سینما، هنر و موسیقی، ۲. کتاب و مطالعه، ۳. گذشت و ایثار، ۴. اهمیت به دین و ۵. قانون‌گرایی. در ادامه به معرفی این شاخص‌ها، دلایل استفاده از آنها و نیز نحوه اندازه‌گیری این شاخص‌ها، بر اساس متغیرهای تعریف‌شده، پرداخته می‌شود.

۱-۲-۱. سرمایه فرهنگی و شاخص سینما، هنر و موسیقی

همانطور که گفته شد بر اساس تعریف تراسی، یکی از اشکال سرمایه فرهنگی، سرمایه فرهنگی ملموس است. این صورت از سرمایه فرهنگی به تفسیر خاصی از فرهنگ به مثابه مجموعه‌ای از فعالیت‌ها اشاره دارد که شامل تمام فعالیت‌هایی می‌شود که درون صنایع مشهور به صنایع فرهنگی قرار می‌گیرد. صنایع فرهنگی به گونه‌ای از صنعت اطلاق می‌شود که به خلق ایده، تولید، توزیع محصولات و خدماتی می‌پردازد که ماهیت فرهنگی دارند و

مخاطب آنها جنبه‌ها و ابعاد فرهنگی فرد و جامعه است و از آنجایی که تولید محصولات و خدمات فرهنگی بر خلاقیت، مهارت، دانش و استعداد تولیدکنندگان آن استوار است، صنایع فرهنگی را صنایع خلاق نیز می‌گویند. در واقع، به صناعی خلاق گفته می‌شود که بتواند از خلاقیت، مهارت و استعداد فردی به‌عنوان یک مزیت و استعداد بالقوه در ایجاد ثروت و شغل از طریق تولید و بهره‌برداری از مالکیت معنوی استفاده کنند. بنابراین صنایع فرهنگی خلاق، با تولید نیازهای جدید، نه تنها می‌توانند باعث تولید مصرف‌کنندگان فرهنگی جدید در جامعه باشند، بلکه همچنان با تشدید مصارف فرهنگی می‌توانند انباشت فرهنگی را که نیازمند ارتقای سرمایه فرهنگی در جامعه است، موجب شوند. یکی از انواع صنایع فرهنگی، صنایع فرهنگی هنری است. صنایع فرهنگی هنری شامل سینما، تئاتر، هنرهای تجسمی، موسیقی و نمایشگاه‌های هنری صنایع دستی و دکوراسیون و طراحی و... است (سپهرنیا و دیگران، ۱۳۹۱). بنابراین شاخص سینما، هنر و موسیقی یکی از عوامل تأثیرگذار بر بهبود و ارتقا سرمایه فرهنگی است.

۲-۱. سرمایه فرهنگی و شاخص کتاب و مطالعه

یکی از عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ و سرمایه فرهنگی، افزایش آگاهی و سطح دانش عمومی مردم در زمینه زمینه‌های مختلف است. انسان برای داشتن یک زندگی سعادت‌مند، نیازمند بینش و آگاهی است، یکی از روش‌هایی که از گذشته‌های دور تا به امروز در افزایش سطح آگاهی و دانش عمومی افراد یک جامعه مؤثر بوده، مطالعه و کتاب‌خوانی بوده است. در حقیقت، توسعه فرهنگی و ارتقای سرمایه فرهنگی زمانی در جامعه تحقق می‌یابد که ذهنیت افراد آن جامعه متحول شده باشد و مطالعه و کتاب‌خوانی، می‌تواند نقش بسزایی در این زمینه داشته باشد.

کتاب دریچه‌ای است به سوی جهان شگفت‌انگیز علم و معرفت، و مطالعه راهی است بسیار ساده و عملی برای پرورش استعدادهای خدادادی انسان و آموزش علوم و فنونی که او را در مسیر رشد و تکامل راهنمایی کند. اگر بتوان مطالعه را در انسان به‌صورت عادت درآورد، دیگر ارتباط او با جهان دانش و آگاهی سخت نخواهد بود و بدون هیچ زحمت و مرارتی خواهد توانست از راه مطالعه، درک و اندیشه خود را نسبت به جهان هستی، رشد و تعالی بخشد (غفاری، ۱۳۸۱؛ میرحسینی، ۱۳۹۱: ۱۰۲). یکی از راه‌های تشخیص میزان

مطالعه در میان افراد یک جامعه، استفاده از شاخص مطالعات اسنادی است، بر این اساس، تخمین میزان مطالعه مردم بر مبنای بازار کتاب، امانت از کتابخانه‌های عمومی، تعداد اعضا، تعداد کتاب‌های موجود، تعداد کتابخانه‌ها و تعداد مراجعات به کتابخانه‌ها به دست می‌آید (محبوب، ۱۳۹۱: ۱۱۷).

کتابخانه‌ها و از جمله کتابخانه‌های عمومی، یکی از نهادهای فرهنگی جامعه هستند که نقش مهمی در ایجاد عادت مطالعه و فرهنگ کتابخوانی ایجاد می‌کنند و با توجه به اینکه طیف وسیعی از مراجعان را در بر می‌گیرند، ارتباط گسترده‌تری را با جامعه برقرار کرده و سهم عمده‌ای را در ارتقای فرهنگ، آگاهی جامعه و پیشرفت روز افزون جوامع بر عهده خواهند داشت. کتابخانه‌های عمومی محل حفظ و اشاعه فرهنگ مکتوب جهان هستند (مکتبی فرد، ۱۳۸۵). به عبارت دیگر، کتاب و کتابخانه یکی از عناصر تشکیل دهنده صنایع فرهنگی مکتوب هستند و صنایع فرهنگی مکتوب نیز یکی از انواع صنایع فرهنگی است که در سرمایه فرهنگی و انباشت آن مؤثر است. در پیوست قانون برنامه اول آمده است: توسعه، تقویت و اعتلای فرهنگ مکتوب و روابط فرهنگی در کشور به‌عنوان مهم‌ترین عوامل گسترش فرهنگ، از جمله اهداف کیفی است که در ابتدای بخش فرهنگ بدان اشاره شده و سپس در قسمت برنامه و سیاست‌های اجرایی بخش فرهنگ مکتوب و چاپ و نشر کشور و ارائه برنامه‌ها و شیوه‌های مورد نیاز برای گسترش کتاب و کتابخوانی به مثابه اولین برنامه برای گسترش فرهنگ و هنر قید شده است (همان).

نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور به‌عنوان متولی قانونی اداره کتابخانه‌های عمومی، در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ چنین عنوان کرده است: «نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، نهادی است فرهنگی، با هویت اسلامی - ایرانی، نافذ و اثرگذار بر جامعه، دارای کارکردهای آگاهی‌بخشی، اطلاع‌رسانی، آموزشی و ارشادی، زمینه‌ساز ارتقای مطالعه مفید، دارای نیروی انسانی متعهد، متخصص و آموزش‌دیده، با حفظ جایگاه اول کشور در منطقه و موفق به رساندن کشور در زمره پانزده کشور برتر جهان از جهت سرانه فضا، عضو، منابع و امانت کتابخانه‌ای» (محبوب، ۱۳۹۱: ۱۱۷). در واقع از میزان کتاب‌خوان‌ها، نحوه کتاب‌خوانی، تعداد کتابخانه‌های عمومی، تیراژ کتاب‌های چاپ شده، میزان و نحوه خرید کتاب از سوی مردم می‌توان پی برد که فرهنگ کتاب و مطالعه در این کشور چه جایگاهی دارد. کتابخانه‌ها را با منابعی که در اختیار دارند و در اختیار عموم قرار می‌دهند

می توان به عنوان صاحبان ذخایر عظیم سرمایه فرهنگی توصیف کرد (گولدینگ، ۱۳۸۸). بنابراین یکی از شاخص های تبیین کننده سرمایه فرهنگی کشور که در این تحقیق مورد استفاده قرار می گیرد، شاخص کتاب و مطالعه است.

۳-۲-۱. سرمایه فرهنگی و شاخص اهمیت به دین

دین مجموعه ای است از باورهای قلبی، و رفتارهای عملی متناسب با آن باورها که در بخش باورها، اعتقاد به یگانگی خدا و صفات جمال و جلال او، اعتقاد به نبوت و اعتقاد به معاد قرار دارد که از آن به اصول دین یا اصول عقاید تعبیر می شود و در بخش رفتارها نیز کلیه رفتارهای متناسب با باورها که بر حسب اوامر و نواهی الهی و به منظور پرستش و بندگی خدای متعال انجام می گیرد، قرار دارد که از این بخش به عنوان «فروع دین» یاد می شود. بنابراین اسلام به عنوان یگانه دین حق، عبارت است از: مجموعه ای از باورهای قلبی که برآمده از امور فطری و استدلال های عقلی و نقلی است و تکالیف دینی که از سوی خدای متعال بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و به منظور تأمین سعادت دنیوی و اخروی بشر نازل شده است. این تکالیف تمامی اموری را که به نحوی در سعادت دنیا و آخرت انسان نقش دارد دربرمی گیرد. از این رو، دین ناظر به تمام زوایای زندگی انسان است و پاسخ تمام نیازهای فردی، اجتماعی، علمی و غیره را می توان در دین رهگیری کرد. بر این اساس، نه تنها قرآن، به عنوان یکی از منابع اصلی شکل گیری دین، بلکه روایات، سنت، متون فقهی و باور فقها نیز دین را ناظر به تمام ابعاد زندگی انسان نشان می دهد.

خداوند متعال در آیه ۸۹ سوره مبارکه نحل می فرماید: «وَتَزَكِّيْنَاكَ الْكِتَابَ تَيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ: و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است». افزون بر این، آیات و روایات دیگری نیز با مضمون آیه یاد شده، مؤید جامعیت و تبیین کننده قلمرو دین هستند (بهرامی، ۱۳۸۷: ۱۷۲). دین و اعتقاد توحیدی، جامعه را در نگرش فرد مؤمن، همچون خانواده ای بزرگ و دارای جهان بینی هماهنگ، جلوه گر می سازد. در چنین جامعه ای، خودخواهی، تمایز طبقاتی و زیاده خواهی رخت برمی بندد و از مردمان، امت میانه ای فراهم می آید که بنیان اجتماعی آن بر سنت های عادلانه بنا شده است. اصولاً یکی از مهم ترین و بنیادی ترین عوامل پیوند میان افراد در جامعه اسلامی، همان

عقیده اسلامی است که موجب به وجود آمدن مشترکات بسیاری در زمینه باورها، ارزش‌ها و نیز هنجارهای اخلاقی و اجتماعی و حقوقی در میان مسلمانان می‌شود (عرفان و بیات، ۱۳۹۳: ۷). مسائل فرهنگی، از جمله مهم‌ترین مسائل هر جامعه‌ای به شمار می‌رود. عوامل مختلفی از جمله دین، اعتقادات و باورها در شکل‌گیری و تداوم فرهنگ‌ها تأثیرگذار است (نیک‌آفرین و جان‌احمدی، ۱۳۹۲: ۲۹).

بر این اساس، دین به فرهنگ، بسیار یاری می‌رساند و می‌تواند در فرهنگ‌سازی نقش بسیار برجسته‌ای داشته باشد، چنانکه فرهنگ نیز در دین بسیار تأثیرگذار است و با آمدن دین، فرهنگ مردم رنگ و بوی دینی می‌گیرد. آنچه پیش از ظهور دین به‌عنوان فرهنگ شناخته می‌شد، امروزه به‌عنوان عناصر دین شناخته می‌شود که برخی از آن به فرهنگ دینی یاد می‌کنند. در مواردی نیز فرهنگ با آمدن دین اصلاح می‌گردد و در مواردی هم بر شماری از عناصر فرهنگی، مهر ابطال می‌خورد. برای نمونه، اسلام تعدد زوجات را که جزء فرهنگ عرب جاهلی بود، با کمی اصلاحات در تعداد همسران امضا کرد و در نگاه شماری با شرط عدالت، مهر ابطال بر تعدد زوجات زد. چنانکه در قصاص و دیه نیز فرهنگ عرب جاهلی با کمی تغییرات پذیرفته شد و دیه و قصاص که جزء عرف و عادت عرب جاهلی بود، رنگ دینی گرفت و در شمار عناصر فرهنگ دینی قرار گرفت. افزون بر این، برخی از موضوعات دینی نیز این توان را دارند که فرهنگ‌سازی کنند و گاه اصلاحات بسیار شدید و عمیق در فرهنگ ایجاد کنند و فرهنگی ویژه که متفاوت با دیگر فرهنگ‌هاست، ایجاد کنند. برای نمونه، رهنمودهایی که در دین برای رسیدن به سعادت اخروی وجود دارد و روابط میان افراد جامعه را پوشش می‌دهد، این توانایی را دارد که به‌عنوان عناصری از فرهنگ حامیان این دین شناخته گردد و ایشان را از جهت فرهنگی از دیگران متمایز سازد.

از جهت فطری بودن نیز می‌توان تأثیر دین بر فرهنگ را مورد بررسی قرار داد. بسیاری از اندیشمندان مسلمان، انسان را فطرتاً خداجو می‌شناسند و بر این باورند که فطرت انسان او را به دین رهنمون می‌سازد. برای نمونه، علامه طباطبایی یکی از تفسیرنویسان صاحب‌نظران بنام شیعه، خاستگاه دین را فطرت خداجوی انسان می‌داند (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۵۴). یکی از استنادات ایشان، آیه ۳۰ سوره مبارکه روم است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَرِيمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا

يَعْلَمُونَ: پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن. این فطرتی است که خداوند انسان‌ها را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش الهی نیست. این است آیین استوار، ولی اکثر مردم نمی‌دانند». بنابراین اگر خاستگاه دین را فطرت بدانیم، نسبت میان این دین با فرهنگ با تمامی خاستگاه‌هایی که برای فرهنگ آمده است، نسبت جزء و کل خواهد بود و درست بر این اساس، شماری از جامعه‌شناسان دین را جزء معنوی فرهنگ می‌خوانند. نتیجه آنکه اگر در بحث خاستگاه، حکم به فطری بودن دین کردیم، در این صورت دین، حق دخالت در فرهنگ را دارد و می‌تواند فرهنگ‌سازی کند یا فرهنگ موجود را به پالایش در آورد (بهرامی، ۱۳۸۷: ۱۷۲).

امروزه به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده علمی، اعتقاد دینی و گرایش مذهبی، بالاترین عامل تأمین تعادل و آرامش روحی و روانی شناخته شده و در کشورهای توسعه‌یافته نیز دین‌باوری را برای درمان سرگشتگی‌ها و بحران‌های روحی و روانی توصیه می‌کنند. بنابراین با توجه به کارکرد نقش دین و نیز کالبدشکافی مفهوم «فرهنگ» می‌توان گفت: این دو امر پیوسته به امر انسان پرداخته و در مسیر هدایت انسان‌ها به سوی کمال و رفع نیازمندی‌های او، راهکارهای سودمندی را در قالب نظام هدفمند ارائه کرده است. می‌توان چنین ادعا کرد که ارکان دین در سه نظام جای دارد: نظام اعتقادی، نظام ارزشی یا اخلاقی و نظام فقهی. از این رو، دین با ظهور خود، فرهنگ خاص خود و فرهنگ نوینی را به جامعه بشری عرضه داشته و انسان‌ها را بدان فرامی‌خواند، در حقیقت با پدید آمدن دین، تحول مفید و ثمربخشی در اندیشه و روح انسان به وجود می‌آید. دین در این راستا طرز تفکر انسان‌ها را در جهت واقع‌بینی نو کرده، اخلاق و تربیت آنها را بهبود بخشیده، سنت‌ها و نظام‌های کهنه و دست‌وپاگیر آنها را برانداخته و به جای آنها نظام‌هایی زنده، پویا جایگزین ساخته و ایده‌ای عالی به آنها الهام می‌نماید. در پرتو چنین تحولی، زندگی اقتصادی بهبود یافته و استعدادهای علمی و فلسفی، فنی و هنری، ادبی و در یک کلام اندوخته‌های مادی و معنوی یعنی تمدن شکفته می‌شود. این واقعیت تنها دیدگاه ما نیست، بلکه کاتولیک‌ها نیز در شورای واتیکان بدان تصریح کرده‌اند: «دین فرهنگ را شکل داده و فرهنگ به مردم هویت بخشیده و به بیان دیگر، نیاز انسان به کلام متعال الهی خمیرمایه فرهنگ است (کاشفی، ۱۳۸۴: ۱۷۷). بدین ترتیب تأثیر مثبت دین و مذهب بر فرهنگ و سرمایه فرهنگی، کاملاً روشن و بدیهی است و اگر بتوان متغیرهایی را برای بررسی سطح

دینداری مردم تعریف کرد، می توان از آنها تا حدودی برای اندازه گیری سطح سرمایه فرهنگی نیز استفاده کرد.

۴-۲-۱. سرمایه فرهنگی و شاخص گذشت و ایثار

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر سرمایه فرهنگی که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته، شاخص گذشت و ایثار است. ایثار و از خود گذشتگی امری است دینی، اخلاقی و انسانی و بسیار نیکو و پسندیده که در هر آیین و مذهبی ستوده شده و درباره آن سفارشات زیادی شده است. ایثار در فرهنگ اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اسلام به عنوان اوج وارستگی مؤمن و نشانه بارز پیوستگی به خدا و مکتب تلقی شده و در قرآن از آن برای آزمودن صلاحیت رهبری امامت نام برده شده است. حضرت ابراهیم (ع) پیش از رسیدن به امامت، با ایثار آزمایش شد و امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س) به خاطر ایثار مورد ستایش قرآن قرار گرفتند. امام علی (ع) در ایثار جان، آنچنان پیش رفت که حتی بر جبرئیل و میکائیل پیشی گرفت و ملائک و عالم آسمانها را به حیرت واداشت و عامل مباهات پروردگار عالم شد. همچنین واقعه عاشورای حسینی، نقطه اوج و قله ای از ایثار و شهادت در طول تاریخ تشیع به شمار می رود که سرشار از نکات عبرت آموز برای تمام شیعیان و مسلمین جهان اسلام به شمار می آید (مردانی نوکنده، ۱۳۹۰). ایثار به معنای بذل، گذشت از حق خود برای دیگران، نفع دیگری یا دیگران را بر خود ترجیح دادن است، همچنین به معنای غرض دیگران را بر خود مقدم داشتن، برگزیدن و منفعت غیر را بر خود مقدم داشتن که کمال درجه سخاوت است، به کار رفته است (نورآذر و پورطهماسبی، ۱۳۸۹). بر اساس تعریف دیگر، ایثار به معنی برگزیدن، عطا کردن و خواسته های دیگران را بر خواسته های خود مقدم داشتن و منفعت غیر را بر منفعت خود مقدم داشتن است (نوئین و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۰۲). معنی ایثار را نباید به صورت خاص در نظر گرفت و فقط آن را به معنی ایثار مال و دارایی دانست، بذل مال شاید نخستین گام ایثار و از ساده ترین مراحل ایثار باشد. از دیگر مراحل ایثار که از اهمیت بسیار برخوردار است، ایثار جان است که همان معنای شهادت را می دهد (نورآذر و پورطهماسبی، پیشین). ایثارگری مانند مسئولیت اجتماعی از معیارهای درونی سرچشمه گرفته و از همدلی ناشی می شود، انسانها به شکل گروهی زندگی می کنند و از طریق همکاری با یکدیگر به منافع بسیاری دست می یابند. از آنجا که

محیط زندگی خطرناک و غیر قابل پیش‌بینی است، همکاری و تعاون برای بقا بسیار ارزشمند است (نوئین و همکاران، پیشین). در واقع حیات مادی و معنوی هر جامعه‌ای به وجود افرادی که دارای ارزش‌های اخلاقی درونی شده هستند و در جهت خدمت‌رسانی به افراد جامعه عمل می‌کنند، وابسته است. افراد با ثباتی که کمتر تحت تأثیر موقعیت‌ها و شرایط قرار می‌گیرند، بیشتر با توجه به معیارها و ارزش‌های اخلاقی خود عمل می‌کنند و از احساس مسئولیت مشترک بالایی برخوردارند (همان). مسئولیت مشترک بر پایه علاقه به دیگران استوار و با تعالی فردی مرتبط است. در چنین شرایطی گرایش‌های فردی تقریباً نادیده گرفته می‌شود و بر انجام تعهدات اخلاقی تأکید می‌شود (همان). یکی از بارزترین طرق پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، ایجاد و تقویت هنجارهای فرهنگی است که با استفاده از آنها می‌توان به اصلاح فرد و جامعه و متعاقب آن کاهش انحرافات اجتماعی و جرائم پرداخت. از آن جمله می‌توان به هنجار فرهنگی ایثار اشاره کرد. استفاده از هنجارهای فرهنگی ایثار و مفاهیم اخلاقی با کارکردهایی که در فرد و جامعه دارد، می‌تواند از بسیاری از جرم‌ها و انحرافات جامعه جلوگیری و پیشگیری کند. کارکردهای هنجارهای فرهنگی ایثار به قدری زیبا و در مسیر کمال انسان مؤثر است که می‌توان به راحتی با توسعه و ترویج آن به سمت جامعه‌ای سالم و عاری از هرگونه انحرافات و ناهنجاری‌های اجتماعی حرکت کرد و در جهت ارتقای سلامت روانی و افزایش کیفیت زندگی افراد کوشید (همان). شاخص گذشت و ایثار، شامل دو بعد مادی و معنوی است، به عبارت بهتر این شاخص، شامل گذشت از جان یعنی فرهنگ شهادت و گذشت از مال یعنی فرهنگ انفاق است که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

شهادت در لغت به معنای گواهی دادن، کشته شدن در راه خدا و شهید شدن است (دهخدا، ۱۳۷۴). در کتب لغت، برای کلمه شهید چند معنا ثبت شده است، مانند امین در ارائه شهادت، گواه، کشته در راه خدا و کسی که چیزی از او شنیده نیست (فیروزآبادی، ۱۹۹۱: ۵۸۸)، کشته شدن به هر نحوی در راه خدا و برای رضای او مقدس و ارجمند است و هنگامی که کسی جان خود را برای هدفی مقدس و انسانی، که خشنودی خدا را در پی داشته است - فدا می‌کند و با نثار جان چنین مرگی را می‌پذیرد، به شهادت رسیده است. به کسی که در راه خدا کشته می‌شود، شهید می‌گویند (مسعودی و نوغانی، ۱۳۹۲: ۱۲۵). شهادت به معنای مجموعه باورها، آگاهی‌ها، آداب و اعتقادات و اعمالی که موجب وصول

انسانی به عالی‌ترین درجه کمال، یعنی مرگ آگاهانه و فداکارانه در راه بندگان خدا است (نور آذر و پورطهماسبی، ۱۳۸۹).

یکی از نهادهای مهمی که در اسلام مطرح شده و به‌طور ویژه ارمغان ادیان الهی و اسلام است، نهاد انفاق می‌باشد. انفاق نیز عبارت است از: خرج و بخشیدن مال در راه خدا برای کسانی که به آن نیاز دارند. انفاق از ماده نفق، به معنای کم شدن، نابود شدن، هزینه کردن، مخفی کردن، و پوشاندن است. انفاق در قرآن معنایی تمام دارد و هرگونه زکات، صدقه واجب و مستحب و حتی کمک‌های غیرمادی را شامل می‌شود (خارستانی و سیفی، ۱۳۹۲: ۱۳۳). در آموزه‌های دینی، انفاق به اعطا و بخشش مال و یا چیز دیگر در راه خدا به فقرا و نیازمندان و... گفته می‌شود. راغب اصفهانی می‌گوید: به بخشش مال را از آن جهت انفاق می‌گویند که با اعطا و بخشش آن مال در ظاهر زائل شده و از بین می‌رود (همان). خداوند در آیات زیادی از قرآن با ذکر ثواب و فضیلت انفاق، مؤمنان را به بذل مال در راه خدا تشویق می‌کنند. انفاق یکی از اموری است که اسلام در یکی از دو بخش احکام عملی خود (حق الناس) مورد توجه قرار داده و به راه‌های گوناگون و با واجب ساختن برخی و مستحب ساختن برخی دیگر، مردم را به بدان امر کرده است. زکات، خمس، کفارات مالی، وقف، وصیت، بخشش و مانند اینها، همه مصادیق انفاق (واجب یا مستحب) هستند و غرض دین از این امور این بوده که اولاً انسان‌ها با انفاق خود را بسازند و به سمت خداگونه شدن، یعنی از این جهت منبع فیض بودن حرکت کنند و از طرف دیگر، طبقاتی که نمی‌توانند بدون کمک مالی از ناحیه دیگران، حوائج زندگی خود را برآورند، مورد حمایت قرار دهد تا سطح زندگی خود را بالا ببرند. به‌طور ساده می‌توان انفاق را شامل کلیه پرداخت‌های واجب و مستحبی، خدمات و... که فرد نسبت به افراد و جامعه انجام می‌دهد، در نظر گرفت که بعضی از پرداخت‌ها و خدمات، ثبت و محاسبه می‌شود، اما بعضی دیگر، بدون ثبت و به‌صورت پنهانی و آشکار صورت می‌گیرد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۲). با افزایش ایثار و از خودگذشتگی، هویت ملی و احساس تعلق به آن نیز در بین افراد بالا می‌رود، با وجود ایثار در جامعه، رضای دوست بر تعلقات زندگی ترجیح داده می‌شود و مصالح جامعه بر مشتهیات نفسانی ترجیح داده می‌شود. ایثار توجه نسبت به حال و آینده را افزایش می‌دهد و بقا و سلامت اجتماعی شهروندان و اجتماع و تحول و تقرب انسان‌ها در سایه فرهنگ ایثار در جامعه عملی است.

ایثار در جامعه سبب می‌شود که افراد حتی به هم‌نوعان خود عشق بورزند و بدون هیچ توقعی غمخوار دیگران باشند و افراد بدون هیچ گونه چشم‌داشتی و خارج از هرگونه شرایطی به دیگران عشق نثار کنند و نه تنها در این روند، هدفی سوداگرانه را دنبال نمی‌کنند، بلکه حتی وجود خویش را در تعاون و ایثار معنی می‌بخشند (سریرافراز، ۱۳۹۰). از سویی دیگر، فرهنگ ایثار در جامعه باعث نشاط بیشتر و سرزنده‌تر شدن و با انگیزه‌تر و فعال‌تر شدن افراد خواهد شد. بنابراین اگر ایثار در برنامه‌ها و راهکارهای فرهنگ‌سازان لحاظ شود، جامعه هم از تأثیرات مثبت روحیه از خودگذشتگی (دور شدن از خودخواهی) برخوردار می‌گردد (همان). گسترش فرهنگ شهادت می‌تواند روحیه صبر و استقامت را در مؤمنین تقویت کند، چراکه مجاهدت و شهادت در راه خدا، مستلزم تحمل مشقات و مصائب فراوان است. خداوند متعال در آیه ۱۴۶ سوره مبارکه آل عمران می‌فرماید: «كَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِيثُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ: و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده‌های انبوه کارزار کردند و در برابر آنچه در راه خدا بدیشان رسید سستی نوزیدند و ناتوان نشدند و تسلیم {دشمن} نگردیدند و خداوند استقامت کنندگان را دوست دارد». بر این اساس، قرآن کریم، یکی از ویژگی‌های مردان الهی را که همراه پیامبران در جنگ‌ها شرکت می‌کردند، صبر دانسته است، همچنین ترویج فرهنگ شهادت‌طلبی، می‌تواند سبب تقویت روح غیرت در جامعه اسلامی است، چراکه غیرت، نیرویی است که هر انسانی را به دفاع از ارزش‌ها و مقدسات وا می‌دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: «ان الله غيور و يحب الغيور» خداوند غیور و غیرتمند است و انسان غیرتمند را دوست دارد (نهج الفصاحه، حدیث ۷۰۶). هنگامی که تعهد و غیرت از جامعه‌ای رخت بریندد و افراد جامعه نسبت به ارزش‌های فرهنگی، ملی و مذهبی خود بی‌تفاوت شوند، قهراً در مقابل تهاجم دشمن هیچ عکس‌العملی از خود نشان نخواهند داد، اگر هم نشان بدهند، عکس‌العملی ضعیف و حقیرانه خواهد بود. اما اگر روحیه غیرت دینی و احساس مسئولیت و تعهد در جامعه‌ای حکمفرما شد، هیچ مهاجمی نمی‌تواند به آن جامعه چشم طمع داشته باشد. در این رابطه، اشاعه و ترویج فرهنگ عاشورا (که حاکی از احساس تعهد شدید و غیرت ابا عبد الله الحسین - علیه السلام - در مقابل بی‌بندوباری حاکمان وقت و اشاعه آن به سایر جامعه اسلامی بود) می‌تواند به‌عنوان بهترین راهکار مورد استفاده قرار گیرد.

فرهنگ شهادت، همچنین منشأ بیداری، آگاهی، جوانمردی، شجاعت و شور و نشاط مردم شده و جامعه را از حالت سکون به حالت حرکت و جنبش در آورده است و خدمات بزرگی را به جامعه بشریت ارائه کرده است. داشتن همت بزرگ، برخورداری از روح بزرگ، عزت نفس و روحیه قوی، بزرگواری و بزرگ منشی، زهد گرایی و عدم دلبستگی به دنیا و... از مهم ترین خصوصیات انسان های تربیت یافته در فرهنگ ایثار و شهادت است. عوامل معنوی در بین عوامل مختلف، بیشترین تأثیر را بر شکل دهی هویت و فرهنگ جوانان دارند. بنابراین جوانی که هویت خویش را در پرتو فرهنگ غنی و عظیم شهادت شکل دهد، به بالاترین مرتبه کمال و سعادت خواهد رسید و سعادت دنیا و آخرت خویش را در پرتو فرهنگ شهادت تضمین خواهد کرد. ترویج فرهنگ شهادت همچنین، سبب تحریک عواطف و احساسات برای ترویج حق طلبی و انجام مسئولیت اجتماعی و افزایش حساسیت در مقابل سرنوشت جامعه می شود (مردانی نوکنده، ۱۳۹۰).

فرهنگ ایثار و شهادت در واقع نوعی ارزش در جامعه تلقی می شوند که این ارزش ها (وجود ایثار و شهادت)، از بنیادی ترین عوامل تعریف کننده و سامان دهنده هویت جامعه محسوب می شود. همچنین مفاهیمی تئوریک هستند که بر انتخاب و تصمیم گیری افراد تأثیر می گذارند (سریرافراز، ۱۳۹۰). در کل می توان از آثار ایثار و شهادت به این موارد اشاره کرد: افزایش انسجام ملی و فرهنگی جامعه، حفظ وحدت ملی در رویارویی با ستیزه ها و تعارض ها، میهن پرستی، کمک های جانی و مالی، شکل گیری خرده فرهنگ ها مثل گروه های مکانی و محلی، گروه های خویشاوندی و اقلیت های مذهبی و...، تعاون و همکاری به جای رقابت و سبقت جویی. به علاوه، بهبود این شاخص، سبب افزایش گذشت و انصاف از جان و مال خود به خاطر عدالت و حق و حقیقت جامعه و همچنین افزایش ترجیح منافع عمومی بر منافع شخصی می شود (همان). انفاق و گسترش فرهنگ انفاق نیز سبب ایجاد آرامش در میان شخص انفاق کننده و سایر انسان ها می شود. دغدغه اصلی انسان ها در طول تاریخ، رسیدن به آرامش بوده است. تلاش آنان از ابتدای خلقت تا حال، متوجه این اصل بوده که چه تدبیری بیندیشند تا بتوانند آرامش را برای خود و نزدیکان خویش فراهم بسازند (خارستانی و سیفی، ۱۳۹۲: ۱۳۳) خداوند متعال در آیه ۲۶۱ سوره مبارکه بقره می فرماید: «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

بصیرت؛ و مثل کسانی که اموال خویش را برای طلب رضای خدا از روی یقین و اعتقاد انفاق می کنند، مثل بوستانی است بر تپه ای، که بارانی تند، بر آن بارد و دو چندان میوه دهد، و اگر نه بارانی تند که نرم بارانی بر آن بارد خدا به کارهای شما بیناست».

برخی از مفسران جمله «وتثبیتا من انفسهم» را به آرامش تفسیر کرده اند که پس از انفاق برای انفاق کننده و سپس برای انفاق شونده و به طور کلی برای جامعه حاصل می شود. بنابراین انفاق کنندگان واقعی کسانی هستند که به خاطر خشنودی خدا و پرورش فضائل انسانی و تثبیت این صفات در درون جان خود و همچنین پایان دادن به اضطراب و ناراحتی هایی که بر اثر احساس مسئولیت در برابر وجدان آنها پیدا می شود، اقدام به انفاق می کنند (همان). همچنین با توجه به تأثیر مهمی که انفاق در رشد و کمال معنوی و تکوین شخصیت اخلاقی و انسانی افراد دارد، در سخنان اولیای الهی گاه از بذل و بخشش با تعابیر زیبایی یاد می شود که به اهمیت فوق العاده انفاق و جایگاه آن در بین سایر اعمال دلالت دارد (همان).

به طور خلاصه می توان گفت شاخص گذشت و ایثار که در این تحقیق شامل دو بعد شهادت و انفاق است، از دو جنبه می تواند بر سرمایه فرهنگی مؤثر باشد. از یک جهت هر چه میزان این شاخص در جامعه ای بالاتر باشد، نشان دهنده اهمیت بیشتر دین و توجه به دستورات الهی است. بنابراین هر چه این شاخص بالاتر باشد، نشان دهنده فرهنگ بالاتر و توجه به ارزش ها و هنجارهای مثبت در این جامعه است. از طرف دیگر بالا بودن شاخص گذشت و ایثار نشان دهنده بالا بودن حس نوع دوستی و احساس مسئولیت نسبت به سایر افراد جامعه است. قطعاً هر چه قدر این حس در جامعه ای تقویت شود، سبب محکم تر شدن ارزش ها و هنجارهای مثبت در آن جامعه می شود و نشان دهنده سرمایه فرهنگی بالاتر در آن جامعه است. همچنین فرهنگ ایثار و شهادت به دلیل ماهیت اثرگذاری قوی که می تواند بر رفتار و عملکرد افراد یک جامعه داشته باشد، نقش مهمی در کنترل درونی رفتارهای افراد در قانون پذیری دارد و احترام به سایر هنجارهای جامعه دارد. بنابراین هر قدر این فرهنگ گسترش یابد، از این جهت نیز باعث ارتقا سرمایه فرهنگی نیز می شود.

۵-۲-۱. سرمایه فرهنگی و شاخص قانون گریزی

زندگی اجتماعی انسان به وسیله هنجارها، قوانین و مقررات اداره می شود. اگر افراد جامعه

به قوانین، مقررات و هنجارهای اجتماعی که رفتار آنها را به عنوان مناسب و نامناسب تعریف می کنند، مقید نباشند، فعالیت انسان متوقف یا دچار هرج و مرج خواهد شد. در این صورت نظم اجتماعی مختل شده و افراد جامعه با هنجارهای اجتماعی که مبین نظم اجتماعی است هم نوا نشده و مرتکب رفتارهای انحرافی و انواع قانون شکنی ها می شوند (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۴).

قانون در لغت به معنای رسم، دستور، مقیاس، سؤال، طرز و غیره آمده و در اصطلاح متداول، قانون به ضابطه کلی گفته می شود که بر رفتارهای افراد در عرصه های مختلف حاکم است (ازدانی فرد و همکاران، ۱۳۸۹). قانون گرایی به معنای حفظ و اجرای قوانین به طور عادلانه و رعایت حقوق همه افراد است. از طرف دیگر، اولویت دادن به مصالح فردی و گروهی در مقابل مصلحت آحاد جامعه در عرصه قانون گذاری و اجرا، بی اعتمادی به نظم و انضباط اجتماعی و قانون گریزی را در پی خواهد داشت (همان).

میزان قانون گریزی عبارت است از: نادیده گرفتن قواعد رفتاری و هنجارها که دارای ضمانت های اجرایی رسمی است. شیوع تکرار این رفتار، میزان قانون گریزی افراد را تعیین می کند (ماهرویی، ۱۳۸۱؛ مؤمنی، ۱۳۸۱؛ کلانتری و همکاران، ۱۳۸۴). قانون گریزی یک بیماری مسری است که در حال حاضر بخش اعظمی از مردم کشور به آن مبتلا شده اند. قانون گریزی مترادف با نظم گریزی است که عوارض آن قانع نبودن شخص به حقوق خود، تعرض به حقوق دیگران، عدم انجام تکلیف، گریز از مسئولیت و وصول به مقصود به هر طریق ممکن است (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۴). قانون گریزی، طیفی از رفتار است که از قانون گریزی دائمی، خشن و شدید (مثل سرقت، قتل و...) تا قانون گریزی گاه غیرخشن و ضعیف (مثل عبور از چراغ قرمز و تخطی از سایر قوانین راهنمایی و رانندگی و...) را در بر می گیرد. به قانون گریزی نوع اول، قانون گریزی نوع سخت^۱ و به قانون گریزی نوع دوم، قانون گریزی نرم^۲ می گویند (علی بابایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲).

قانونمندی و پذیرش قانون ریشه در ساختارهای جامعه دارد و در رابطه با فرهنگ عمومی جامعه قابل بررسی است. گرایش شهروندان به قانون و اجرای آن نیز در گرو داشتن آگاهی (عدم فقر فکری) است. در صورت عدم رعایت قانون که بخشی از آن

-
1. Hard law-evasion
 2. Soft law-evasion

وابسته به فقر فرهنگی است، می‌تواند وضعیت کلی اجتماع را دچار انواع دشواری‌ها کرده و ساخت‌های اقتصادی نامطلوب و بی‌عدالتی‌ها و به‌طور کلی نارضایتی و نابسامانی عمومی را سبب شود (کلانتری و همکاران، پیشین). بی‌سوادی و کم‌سوادی، ناآگاهی و جهل به قانون، تعدد و تنوع خرده‌فرهنگ‌ها و توزیع و استفاده نابرابر از امکانات و خدمات آموزشی و فرهنگی در سطوح محلی و ملی و گسترش روزافزون ارتباطات فراملی، به پیدایش و تشدید تفاوت‌ها و تعارضات عقیدتی، ارزشی و هنجاری در بین افراد و گروه‌های اجتماعی منجر می‌شود (همان). در چنین شرایطی افراد و گروه‌های اجتماعی معمولاً بر هنجارها و قواعد عمل نمی‌کنند و دچار قانون‌گریزی می‌شوند، لذا فقر فرهنگی در زمینه‌سازی اعمال قانون‌گريزانه اهمیت بسزایی دارد (همان). طبق تعریف تراسبی از سرمایه فرهنگی، بخشی از این سرمایه شامل مجموعه‌ای از نگرش‌ها، اعمال و عقاید است که در ارزش‌ها و رسوم یک جامعه خاص بیان می‌شود. قانون‌پذیری و احترام به قانون یکی از همین ارزش‌ها و سنت‌های جامعه محسوب می‌شود. بنابراین، هر چه سرمایه فرهنگی پایین‌تر باشد، نشان‌دهنده قانون‌گریزی بیشتر در یک جامعه است و می‌توان از میزان قانون‌گریزی موجود در یک جامعه به‌عنوان شاخصی برای تبیین سرمایه فرهنگی یک جامعه استفاده کرد. در این تحقیق جهت بررسی میزان قانون‌گریزی نرم از متغیرهای مربوط به میزان تصادفات درون‌شهری و برون‌شهری که نشان‌دهنده میزان تخطی از قوانین راهنمایی و رانندگی است، استفاده شده و برای بررسی میزان قانون‌گریزی سخت، از تعداد پرونده‌های مختومه در دادگاه‌های عمومی و انقلاب استفاده شده است.

ذکر این نکته ضروری است که نوآوری این تحقیق در شاخص‌سازی‌هایی است که با تأکید بر سرمایه فرهنگی اسلامی - ایرانی انجام گرفته است. در واقع در تعریفی که توسط تراسبی از سرمایه فرهنگی ارائه شده، به‌صورت کلی به مکان‌های فرهنگی و یا سنت‌ها و ارزش‌های یک جامعه اشاره شده است، از این رو با بومی‌سازی مفاهیم مطرح شده در این تعریف، شاخص‌های مذکور برای استان‌های ایران، استنتاج و محاسبه می‌شود. به عبارت دیگر بومی‌سازی تعریف سرمایه فرهنگی و محاسبه آن در سطح کلان برای اولین بار در کشور انجام می‌پذیرد.

۳-۱. سرمایه فرهنگی و تولید ناخالص داخلی

اکثر اقتصاددانان بر تشکیل سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی به عنوان عامل اصلی تعیین کننده رشد تولید ناخالص داخلی تأکید دارند. سرمایه انسانی محاسبه شده توسط سطح آموزش، تا کنون به طور معمول، به عنوان متغیر کلیدی تسریع کننده رشد تولید ناخالص داخلی در نظر گرفته شده است.

اهمیت سرمایه انسانی به طور کلی و آموزش به طور خاص در تئوری های رشد در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در مدل های رشد درونزا و مدل رشد نئوکلاسیک تعمیم یافته^۱ مورد تأکید قرار گرفته است. در مدل رشد نئوکلاسیک توسعه یافته، سرمایه انسانی به عنوان یک داده اضافی وارد مدل می شود و کشورهایی که رشد آموزش سریع تری دارند، از سرمایه انسانی بالاتری نیز برخوردار بوده و در نتیجه نرخ رشد اقتصادی بیشتر و درآمد بیشتری خواهند داشت، هر چند با وجود پشتوانه نظری قوی، شواهد تجربی مبنی بر اینکه ارتقا در عملکرد آموزشی، به طور صریح، منجر به رشد درآمد سرانه سریع تر می شود، به طور غیرمنتظره ای، بحث برانگیز است (Bucci & Segre, 2011). به عبارت دیگر، نتایج تجربی در مورد ارتباط بین سرمایه انسانی و رشد اقتصادی، همچنان تا حدود زیادی وابسته به این است که در روش شناسی تحقیق، از حسابداری رشد بین کشوری استفاده شده باشد، مانند لینداهل و کروگر^۲ (۲۰۰۱)، پریچت^۳ (۲۰۰۱)، کاسلینی^۴ (۲۰۰۵) و بنحیب و اسپینگل^۵ (۱۹۹۴) و یا رگسیون رشد بین کشوری مورد استفاده قرار گرفته باشد، مانند اسلام^۶ (۱۹۹۵)، بارو^۷ (۱۹۹۹) و استرلی و لوین^۸ (۱۹۹۷). همچنین نتایج تجربی وابسته به این است که سرمایه انسانی به کار گرفته شده با چه معیاری اندازه گیری شده باشد و نوع داده های استفاده شده از جهت داده های مقطعی، سری زمانی یا ترکیبی به چه صورت باشد.

از این رو در تحلیل های جدیدتر از مدل های رشد، بهره وری یکی از عوامل مهم مؤثر

1. Mankiw-Romer-Weil (MRW)
2. Lindahl and Krueger
3. Pritchett
4. Caselli
5. Benhabib and Spiegel
6. Islam
7. Barro
8. Easterly and Levine

بر رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. اسکات^۱ و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهش خود بر این موضوع صحنه می‌گذارند که بهره‌وری یکی از عوامل مهم و تعیین‌کننده تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی است. همچنین لازمه رشد فراگیر در شهرها و استان‌های کشور، وجود بهره‌وری پایدار در کنار ایجاد فرصت‌های شغلی گسترده است (صادقی و همکاران، ۱۳۹۲). در حال حاضر بهره‌وری به‌عنوان یک فرایند جمعی در نظر گرفته می‌شود، بر این اساس عوامل محیطی و اجتماعی پیرامون، نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش بهره‌وری دارند و سبب مولدتر شدن افراد جامعه می‌شوند. بر این اساس، با فرض ثابت بودن سایر شرایط، سرمایه فرهنگی، منبع اصلی بهره‌وری بالاست و انباشت سرمایه فرهنگی می‌تواند به‌طور مثبت از طریق تشکیل سرمایه انسانی مولدتر در تولید ناخالص داخلی و رشد تولید ناخالص داخلی سهم باشد (Bucci & Segre, op.cit). به عبارت دیگر عوامل محیطی و اجتماعی پیرامون، که سبب نهادینه شدن برخی ارزش‌ها و هنجارها در درون یک فرد می‌شود و در واقع تشکیل‌دهنده سرمایه فرهنگی هستند، نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش بهره‌وری افراد جامعه دارند. به این ترتیب انتظار می‌رود با افزایش شدت سرمایه فرهنگی، میزان تولید ناخالص داخلی نیز افزایش یابد.

۲. پیشینه تحقیق

مطالعات انجام گرفته در ارتباط با این موضوع به دو دسته تقسیم می‌شوند. در بخشی از آنها سرمایه فرهنگی محاسبه و تأثیر آنها آن بر مسائل اجتماعی، آموزشی و اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته و در بخش دیگر، تأثیر یکی از زیرشاخه‌های سرمایه فرهنگی و یا متغیرهای مرتبط با فرهنگ بر مسائل اجتماعی، آموزشی و اقتصادی بررسی شده که در این قسمت به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

- بلینی و همکاران^۲ (۲۰۱۳) در مقاله خود به بررسی تأثیر تنوع فرهنگی، بر عملکرد اقتصادی پرداختند. برای این منظور آنها ۹۰۰ ناحیه مربوط به ۱۲ کشور اروپایی را مورد بررسی قرار دادند. در این تحقیق متغیر کلیدی «تنوع فرهنگی» بر اساس سهم شهروندان خارجی در هر ناحیه‌ای ایجاد شده است. در واقع توجه اصلی مقاله بر مهاجرت افراد با فرهنگ‌های مختلف در میان مرزهای کشورهای اروپایی و تأثیری است که این تنوع

1. Scott
2. Bellni

فرهنگی بر بهره‌وری می‌گذارد. نتایج نیز تأیید کننده نتایج مقالات دیگر در این زمینه است؛ مبنی بر اینکه تنوع فرهنگی، تأثیر مثبتی بر بهره‌وری می‌گذارد.

- یه^۱ (۲۰۱۳) در مقاله خود به بررسی اثرات تنوع فرهنگی بر عملکرد اقتصادی در چین پرداخت. داده‌های مورد استفاده وی شامل اطلاعات استانی ۲۹ استان چین برای سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ است. وی دریافت که تنوع قومی و نژادی، اثر منفی بر عملکرد اقتصادی دارد؛ به این دلیل که سبب ایجاد فساد و تضادهای بین‌گروهی می‌شود. همچنین تنوع زبانی نیز اثر منفی بر عملکرد اقتصادی می‌گذارد، به این دلیل که هزینه مکالمات و ارتباطات بیشتر می‌شود و در نتیجه مانعی برای انتشار فناوری ارتقا بهره‌وری می‌شود.

- گاددیس^۲ (۲۰۱۳) در مقاله خود، با استفاده از اطلاعات مربوط به ۹۵۹ نوجوان ۹ تا ۱۶ ساله، به بررسی نقش منش^۳ و خصوصیات فردی در تأثیر گذاری سرمایه فرهنگی بر موفقیت‌های تحصیلی می‌پردازد. در این پژوهش با بهره‌گیری از نظریات بوردیو، برای محاسبه عملیاتی سرمایه فرهنگی از متغیرهای تعداد دفعات بازدید از موزه و تعداد دفعات حضور در سالن‌های تئاتر یک فرد در ۱۲ ماه گذشته، ساعت‌های صرف شده در کلاس‌های فرهنگی خارج از مدرسه (موسیقی، رقص، هنر و زبان) و ساعت‌های صرف شده برای مطالعه در طول یک هفته استفاده شده است. همچنین برای بررسی موفقیت تحصیلی از معدل دانش‌آموزان استفاده شده است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد: سرمایه فرهنگی اثرات مثبتی بر موفقیت تحصیلی دارد و این اثرگذاری از طریق منش فرد تکمیل می‌شود. این نتایج بر اهمیت منش در ارتباط بین سرمایه فرهنگی و موفقیت‌های تحصیلی برای جوانان محروم تأکید دارد.

- پدرونی و شفارد^۴ (۲۰۱۳) در مقاله خود به بررسی رابطه بین هنر و تولید ناخالص داخلی سرانه پرداخته‌اند، در این تحقیق آنها به دنبال بررسی این موضوع بودند که بین تولیدات فرهنگی و هنری محلی - که دائمی است و نه زودگذر - رابطه‌ای وجود دارد. به همین منظور از داده‌های مربوط به تولید ناخالص داخلی سرانه و سطوح مربوط به هزینه تولیدات فرهنگی و هنری به وسیله سازمان‌های غیرانتفاعی در مناطق شهری ایالات متحده

1. Ye
2. Gaddis
3. Habitus
4. Pedroni and Sheppard

استفاده شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد: اثرات تولیدات فرهنگی و هنری زودگذر نبوده، اقتصاد محلی را دگرگون می‌کند و رشد مداوم تولید ناخالص داخلی را تغییر می‌دهد.

- ترامونت و ویلیامز^۱ (۲۰۱۰) در مقاله خود به بررسی تأثیرات سرمایه فرهنگی بر نتایج آموزشی پرداختند. آنها در تحقیق خود دو شکل از سرمایه فرهنگی را مورد بررسی قرار دادند: نخست، نوع ایستای سرمایه فرهنگی است که نشان‌دهنده فعالیت‌های روشنفکری و عملکرد والدین است و شکل دیگر، سرمایه فرهنگی پویا که نشان‌دهنده تعاملات و ارتباطات فرهنگی میان فرزندان و والدینشان است. در این مقاله اطلاعات مربوط به دانش آموزان بالای ۱۵ سال ۲۸ کشور عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۲ مورد استفاده قرار گرفته تا بررسی شود آیا این دو نوع سرمایه فرهنگی با سواد خواندن دانش آموزان، احساس تعلق داشتن به مدرسه و آرمان شغلی ارتباط دارد. مبنای محاسبه سرمایه فرهنگی در این پژوهش تعریف بورديو از سرمایه فرهنگی است. سرمایه فرهنگی ایستا شامل تملک کالاهای فرهنگی مثل کارهای هنری، ابزارآلات موسیقی و موسیقی کلاسیک و فعالیت‌های روشنفکرانه نظیر رفتن به موزه یا تئاتر است. منابع این نوع سرمایه فرهنگی توسط والدین مدیریت و نگهداری می‌شوند و در واقع نمایش‌دهنده سبک زندگی و نوع انتخاب والدین است، اما سرمایه فرهنگی پویا، شامل منابع فرهنگی و فعالیت‌هایی است که بیان‌کننده رابطه میان والدین و فرزندان است و به وسیله پرسشنامه مقدار آنها سنجیده شده است. نتایج این پژوهش یافته‌های قطعی را نشان می‌دهد، مبنی بر اینکه سرمایه فرهنگی پویا اثرات قوی بر روی نتایج تحصیلی دانش‌آموزان دارد، در حالی که سرمایه فرهنگی ایستا اثرات به نسبت کمتری دارد.

- گورودنیچنکو و رولاند^۳ (۲۰۱۰) در مقاله خود بررسی کردند که چگونه متغیر فرهنگی در امتداد بعد فردگرایی-جمع‌گرایی، رشد و توسعه اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این مقاله بحث شده است که فردگرایی بیشتر منجر به نوآوری و رشد اقتصادی بیشتر می‌شود، چرا که پاداش‌های اجتماعی برای نوآوری در یک فرهنگ فردگرا وجود دارد. این اثر فرهنگی می‌تواند اثرات منفی نهادهای بد بر رشد اقتصادی را خنثی سازد.

1. Tramonte and Willms
2. Organisation for Economic Cooperation and Development (OECD)
3. Gorodnichenko and Roland

برای ارائه تخمین‌های سببی برای اثر فردگرایی بر درآمد سرانه نیروی کار و بهره‌وری، کل عوامل و همچنین بر روی نوآوری، در این مقاله از نشانگرهای ژنتیکی بی‌طرف به عنوان متغیرهای ابزاری استفاده شده است تا ارتباط بین انتقالات ژنتیکی انتقال داده شده از والدین به فرزندان به دست آید. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد: فرهنگ فردگرایی اثر علی بسزایی بر توسعه اقتصادی دارد که چشم‌انداز جدیدی را در مورد عوامل تعیین‌کننده ثروت ملت‌ها می‌گشاید.

- تبلینی^۱ (۲۰۱۰) با استفاده از داده‌های مربوط به ۶۹ ناحیه در ۸ کشور اروپایی، به بررسی تأثیر فرهنگ بر توسعه اقتصادی پرداخته است. در این مقاله، فرهنگ با استفاده از شاخص‌هایی همچون ارزش‌های فردی و اعتقادات نظیر اعتماد و احترام به دیگران و اعتماد به نفس در تعیین سرنوشت فردی اندازه‌گیری شده است. شاخص‌های فرهنگی مورد استفاده در این مقاله از انجمن نظرسنجی ارزش‌های جهانی^۲ اخذ شده است. بر اساس نتایج این تحقیق، دو مجموعه از ویژگی‌های فرهنگی بر توسعه اقتصادی مؤثر است. اولین ویژگی، مشابه همانی است که مطالعات قبلی آن را «سرمایه اجتماعی» می‌نامند و به وسیله متغیرهای «اعتماد»^۳ و «احترام»^۴ نمایه شده است. دومین ویژگی فرهنگی که می‌تواند بر توسعه اقتصادی مؤثر باشد، متغیری است که می‌تواند به عنوان «حس اعتماد به نفس»^۵ تفسیر شود. این متغیرهای فرهنگی، توسعه اقتصادی را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهند. نتایج نهایی که از این مقاله به دست می‌آید، دارای ابهام است و در برخی موارد متغیرهای فرهنگی بر توسعه اقتصادی تأثیر مثبت و در برخی موارد تأثیر منفی دارد.

- ادریسی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای به بررسی نقش سرمایه فرهنگی بر اساس دیدگاه بورديو در ذائقه فراغت‌ی دانشجویان دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۹ پرداخته‌اند. سرمایه فرهنگی در این تحقیق بر اساس نظریات بورديو محاسبه شده و برای آن سه بعد کلی سرمایه نهادینه، سرمایه تجسم‌یافته و سرمایه عینیت‌یافته در نظر گرفته شده است. برای محاسبه سرمایه نهادینه، بعد تحصیلات و برای محاسبه سرمایه تجسم‌یافته، ابعاد میزان آگاهی سینمایی و میزان آگاهی موسیقیایی مورد توجه قرار گرفته شده است. برای بررسی

1. Tabellini
2. The world value surveys association
3. Trust
4. Respect
5. Confidence

سرمایه فرهنگی عینیت یافته نیز میزان مالکیت کارهای فرهنگی، نوع موسیقی مصرفی، نوع فیلم مصرفی و نوع کتاب مصرفی در نظر گرفته شده است. شیوه‌های گذران اوقات فراغت مورد بررسی در این مقاله عبارتند از: فکری، اجتماعی، تفریحی، سرگرمی، هنری، فرهنگی و جسمانی. بر اساس یافته‌های این پژوهش، سرمایه فرهنگی در بین دانشجویان علوم پایه بیشتر از دانشجویان علوم انسانی است. همچنین سرمایه فرهنگی با انواع فراغت به جز فراغت جسمانی رابطه معناداری دارد و میزان شدت رابطه آن با انواع فراغت به ترتیب با فراغت اجتماعی، هنری - فرهنگی، فکری و تفریحی - سرگرمی است.

- ژیانپور و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله خود به بررسی میزان سرمایه فرهنگی در میان دانشجویان رشته‌های جامعه‌شناسی، پزشکی، حقوق و طراحی صنعتی پرداختند. در این تحقیق سرمایه فرهنگی در سه بعد متجسم، عینی شده و نهادینه شده مورد سنجش قرار گرفته است. مؤلفه‌هایی که برای سنجش این ابعاد در نظر گرفته شده عبارتند از: تمایلات فرد به اشیای فرهنگی، آشنایی با فعالیت‌های هنری، تسلط به زبان خارجی، مصرف کالاهای فرهنگی (موسیقی، فیلم و کتاب) و مدارک علمی، ادبی و هنری. بر اساس یافته‌های این تحقیق، رشته جامعه‌شناسی و طراحی صنعتی دارای بالاترین میزان سرمایه فرهنگی بوده و رشته‌های حقوق و پزشکی نسبت به دانشجویان جامعه‌شناسی و طراحی صنعتی دارای سرمایه فرهنگی کمتری هستند. همچنین از نتایج دیگر این تحقیق این است که هر چهار رشته مورد بررسی دارای میانگین سرمایه فرهنگی کمتر از متوسط نظری تعریف شده هستند.

- اقلیما و نجف‌آبادی (۱۳۹۰) در مقاله خود به بررسی تأثیر میزان سرمایه فرهنگی در میزان احساس شادی زنان جوان شهر اصفهان پرداختند. برای محاسبه سرمایه فرهنگی از سه شاخص وسایل فرهنگی، مهارت‌های فرهنگی و مدارک فرهنگی استفاده شده و شادی نیز در سه بعد احساسی، شناختی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد: بین سرمایه فرهنگی و شادی ارتباط مستقیمی وجود دارد، این ارتباط در بعد شناختی، سپس در بعد احساسی و در نهایت در بعد اجتماعی شادی قوی‌تر است. در حیطه ابعاد سرمایه فرهنگی، بیشترین تأثیر در بعد وسایل فرهنگی، سپس مهارت‌های فرهنگی و در نهایت مدارک فرهنگی است. در میان شاخص‌های محاسبه شده در سرمایه فرهنگی، مهارت فرهنگی دارای بیشترین فراوانی و مدارک فرهنگی دارای کمترین

فراوانی است. همچنین وسایل فرهنگی دارای بیشترین نابرابری و مهارت فرهنگی دارای کمتری نابرابری در بین زنان جوان است.

- چلبی و جنادله (۱۳۸۶) در مقاله خود به بررسی تأثیر عوامل فرهنگی بر موفقیت اقتصادی در میان قومیت‌های لر، عرب و دزفولی استان خوزستان پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده از این مطالعه که به روش پیمایشی انجام گرفته، نشان می‌دهد: حدود ۴۵ درصد تغییرات در موفقیت اقتصادی افراد را ویژگی‌های فرهنگی در سطح فردی توضیح می‌دهند. همچنین متغیرهای گستره روابط اجتماعی، میل به خود تنظیمی، نگرش مثبت به ثروت، انگیزه موفقیت، میل به تجربه‌گرایی، عقلانیت، میل به آینده‌گرایی و اخلاق کار تأثیر مثبت بر موفقیت اقتصادی داشته‌اند و تقدیرگرایی تأثیر منفی بر موفقیت اقتصادی داشته است.

به طور خلاصه مطالعات انجام گرفته در این حوزه را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: در دسته اول صرفاً به محاسبه و تخمین سرمایه فرهنگی در یک جامعه آماری محدود پرداخته شده و تأثیرات آن بر روی متغیرهای دیگر مورد بررسی قرار نگرفته است، که از جمله آنها می‌توان به مطالعات ژیانپور و همکاران (۱۳۹۲) و ادیسی و همکاران (۱۳۹۱) اشاره کرد. در دسته دوم، به بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر متغیرهای اقتصادی و اجتماعی پرداخته شده است. نتایج مطالعات در اکثر موارد حاکی از تأثیر مثبت فرهنگ، تنوع فرهنگی و سرمایه فرهنگی بر عملکرد اقتصادی و اجتماعی است، در این زمینه می‌توان به مطالعات بلینی و همکاران (۲۰۱۳)، گاددیس (۲۰۱۳)، پدرونی و شفارد (۲۰۱۳)، ترامونت و ویلیامز (۲۰۱۰)، گورودنیچنکو و رولاند (۲۰۱۰)، چلبی و جنادله (۱۳۸۶) و اقلیما و نجف آبادی (۱۳۹۰) اشاره کرد. در سایر مطالعات این دسته نیز تأثیر سرمایه فرهنگی بر متغیرهای اقتصادی و اجتماعی یا منفی است و یا نتایج به دست آمده دارای ابهام است، از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به مطالعات یه (۲۰۱۳) و بلینی (۲۰۱۰) اشاره کرد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق، از نوع تحلیلی - توصیفی و کاربردی است. در این تحقیق ابتدا با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی، آمار و اطلاعات، مبانی نظری و تجربی تحقیق جمع‌آوری می‌شود، سپس داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و تحلیلی مورد پردازش قرار می‌گیرد. در نهایت با استفاده از مبانی نظری و تجربی، الگوی آماری مناسب معرفی و با استفاده از نرم‌افزارهای spss22 و excel2010 سرمایه فرهنگی و اجزای

آن تخمین زده می‌شود.

جامعه آماری مورد استفاده، مجموعه داده‌های مربوط به ۲۴ استان ایران در دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۸۳ است. علت انتخاب ۲۴ استان از میان کل استان‌های ایران، وجود داده‌های مربوط به تمام متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق است. در تحقیق حاضر برای گردآوری آمار و ارقام و مستندات تاریخی از روش کتابخانه‌ای استفاده شده و منابع آماری مختلف همچون سالنامه آماری کل کشور، سالنامه‌های آماری استان‌ها، طرح هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی کشور و سالنامه آماری عملکرد کمیته امداد امام خمینی (ره) مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

برای ساختن یک شاخص تازه یا انتزاعی که از متغیرهای بسیاری تشکیل شده، باید اقدام به مقیاس‌سازی کرد. سرمایه فرهنگی مفهوم یا شاخصی است که از زیرشاخه‌های بسیاری تشکیل شده است. مقیاس، اندازه ترکیبی یک مفهوم است که مرکب از داده‌های برآمده از چندین معرف یا گویه یا متغیر است. یکی از روش‌های مناسب مقیاس‌سازی در ارتباط با مفاهیم و پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی، روش تحلیل عاملی^۱ است. تحلیل عاملی روشی آماری است که بین مجموعه‌ای فراوان از متغیرهایی که به ظاهر بی‌ارتباط هستند، رابطه خاصی را تحت یک مدل فرضی برقرار می‌کند. به همین منظور با استفاده از ۳۶ متغیر معرفی شده، داده‌های مورد نظر جمع‌آوری و نرمالیزه شده و با استفاده از این روش و تعیین ضرایب بهینه و امتیاز برای هر عامل، سرمایه فرهنگی برآورد شده است.

۱-۳. متغیرهای مورد استفاده در برآورد سرمایه فرهنگی

همانطور که توضیح داده شد، سرمایه فرهنگی، ذخیره‌ای از ابزارهای فرهنگی ملموس و ناملموس است، بنابراین برای محاسبه و بررسی سرمایه فرهنگی، به تفکیک هر شاخص، چندین متغیر در نظر گرفته شده که تا حد ممکن تمامی این موارد را پوشش دهد. بر این اساس و با در نظر گرفتن محدودیت‌های آماری، در مجموع ۳۶ متغیر در قالب شاخص‌های زیر برای اندازه‌گیری سرمایه فرهنگی در نظر گرفته شده است:

۱. شاخص سینما، هنر و موسیقی: این شاخص دربرگیرنده متغیرهایی است که نسبت به جمعیت هر استان تعدیل شده‌اند: ۱. تعداد سینماهای موجود، ۲. ظرفیت یا تعداد

1. Factor analysis

صندلی‌های موجود در سینماها، ۳. تعداد تماشاچی فیلم در سینماها، ۴. تعداد سالن نمایش، ۵. تعداد برنامه موسیقی، ۶. گنجایش سالن نمایش، ۷. تعداد اجرا موسیقی، ۸. تعداد تماشاگر موسیقی، ۹. تعداد برنامه تئاتر، ۱۰. تعداد اجرای تئاتر، ۱۱. تعداد تماشاگر تئاتر، ۱۲. تعداد نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری و ۱۳. بازدیدکنندگان نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری.

۲. شاخص کتاب و مطالعه: این شاخص دربرگیرنده متغیرهایی است که نسبت به جمعیت هر استان تعدیل شده‌اند: ۱. تعداد کتابخانه‌های عمومی، ۲. تعداد کتاب‌های موجود کتابخانه‌های عمومی، ۳. تعداد کتاب‌های امانت داده شده در کتابخانه‌های عمومی، ۴. تعداد کتب تألیف شده، ۵. تعداد کتب ترجمه شده، ۶. تعداد نمایشگاه کتاب و ۷. تعداد بازدیدکنندگان نمایشگاه کتاب.

۳. شاخص اهمیت به مذهب: این شاخص دربرگیرنده متغیرهایی است که نسبت به جمعیت هر استان تعدیل شده‌اند: ۱. تعداد اماکن متبرکه اسلامی، ۲. تعداد مساجد، ۳. تعداد تکایا و حسینیه‌ها، ۴. تعداد اماکن مذهبی اقلیت‌ها، ۵. تعداد زائران حج تمتع، ۶. تعداد زائران حج عمره و ۷. میزان هزینه‌های صرف شده در امور مذهبی توسط خانوارها.

۴. شاخص گذشت و ایثار: این شاخص دربرگیرنده متغیرهایی است که نسبت به جمعیت هر استان تعدیل شده است: ۱. میزان صدقات و کمک‌های پرداختی مردم به کمیته امداد امام خمینی (ره)، ۲. وجوهات امانی پرداختی مردم به کمیته امداد امام خمینی (ره)، ۳. میزان زکات پرداختی مردم به کمیته امداد امام خمینی (ره)، ۴. تعداد افراد زکات‌دهنده، ۵. تعداد افراد خانوارهای شاهد تحت پوشش بنیاد شهید و ۶. تعداد جانبازان تحت پوشش بنیاد شهید.

۵. شاخص قانون‌پذیری: این شاخص دربرگیرنده متغیرهایی است که نسبت به جمعیت هر استان تعدیل شده‌اند: ۱. تعداد تصادفات درون‌شهری، ۲. تعداد تصادفات برون‌شهری و ۳. تعداد پرونده‌های مخومه در دادگاه‌ها.

۴. یافته‌های تحقیق

۴-۱. آزمون کفایت نمونه و شناسایی ساختار

برای این آزمون، ابتدا با استفاده از داده‌های مربوط به متغیرهای معرفی شده، ماتریس

داده‌ها تشکیل داده می‌شود، این ماتریس شامل ۳۶ ستون (تعداد متغیرهای مورد بررسی) و ۲۱۶ سطر (تعداد استان‌های مورد بررسی در ۹ سال) است که در مجموع ۸۴۲۴ داده مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از روش‌های تعیین متناسب بودن مجموعه‌ای از متغیرها، استفاده از آماره KMO^۱ که دامنه آن بین ۰ و ۱ است. چنانچه مقدار این آماره بیش از ۰/۷ باشد، همبستگی‌های موجود به‌طور کلی برای تحلیل عامل بسیار متناسب است (دواس^۲، ۱۳۹۱: ۱۷۵). آزمون بارتلت نیز برای شناسایی ماتریس همبستگی همانی از ماتریس غیرهمانی به کار می‌رود. بر اساس این آزمون، فرض صفر بیان می‌کند که ماتریس همبستگی، یک ماتریس واحد و همانی است که در این صورت برای شناسایی ساختار (مدل عاملی) نامناسب است. همانطور که در جدول ۱ نشان داده شده است، آماره KMO به دست آمده ۰/۷۴۵ بوده که حاکی از مناسب بودن همبستگی موجود میان متغیرها برای تحلیل عاملی است. با توجه به نتایج به دست آمده برای آزمون بارتلت ($\text{sig} = ۰/۰۰۰$) نیز فرض شناخته شده بودن ماتریس همبستگی رد می‌شود، بنابراین تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار (مدل عاملی) مناسب است.

جدول ۱. آزمون بارتلت و KMO جهت تخمین سرمایه فرهنگی

۰/۷۴۵	آزمون سنجش کفایت نمونه KMO	
۵۶۲۵/۲۷۱	مقدار آماره کای دو	آزمون بارتلت
۷۴۱	درجه آزادی	
۰/۰۰۰	سطح معناداری	

۲-۴. استخراج مجموعه اولیه عوامل

یکی از اهداف تحلیل عاملی، استخراج تعداد کمی عامل مشترک است که بتواند الگوی همبستگی‌های موجود در میان تعداد زیادی از متغیرها را تبیین کند. تعداد عامل‌ها به مراتب کمتر از تعداد متغیرهای اصلی است. بنابراین یکی از کارکردهای مهم روش تحلیل عاملی کاهش ابعاد داده‌هاست. از متداول‌ترین طرق تعیین عامل‌های مقتضی، استفاده از آماره مقدار ویژه^۱ است. بهترین مدل، ساده‌ترین (با کمترین عامل) است که بیشترین واریانس

1. Kaiser-Mayer-Olkin
2. De Vaus
1. Eigenvalue

مجموعه اولیه متغیرها را تبیین کند. بهترین عامل‌ها آنهایی هستند که بیشترین واریانس مجموعه متغیرهای منفرد را تبیین کنند. مقدار ویژه نشان‌دهنده واریانس است که یک عامل تبیین می‌کند و هر چه مقدار آن بیشتر باشد، یک عامل، واریانس بیشتری را تبیین می‌کند. به طور کلی، عامل‌هایی که مقدار ویژه آنها بیشتر از یک باشد، بهترین عامل‌ها هستند. در مرحله بعد باید مجموعه‌ای از عوامل مقدماتی استخراج گردد و تعداد زیاد متغیرها به تعداد کمی عامل مشترک تقلیل یابد. همانطور که در جدول ۲ نشان داده شده است، بر اساس نتایج تحقیق، در مرحله مقدماتی، ۱۰ عامل شناسایی شدند که مقدار ویژه آنها بزرگ‌تر از یک است. این ۱۰ عامل در مجموع بیش از ۷۱ درصد کل واریانس متغیرهای اولیه را تبیین می‌کنند.

جدول ۲. عوامل استخراجی سرمایه فرهنگی

مجموع مجذورات بارهای عاملی قبل از دوران			عوامل
مقادیر ویژه	درصد واریانس‌هایی که هر عامل نشان می‌دهد.	درصد تجمعی کل واریانس	
۷/۲۸۰	۱۸/۶۶۸	۱۸/۶۶۸	۱
۳/۶۵۰	۹/۳۵۹	۲۸/۰۲۷	۲
۳/۵۴۱	۹/۰۸۰	۳۷/۱۰۷	۳
۲/۹۰۱	۷/۴۳۸	۴۴/۵۴۵	۴
۲/۵۸۸	۶/۶۳۵	۵۱/۱۷۹	۵
۲/۰۶۱	۵/۲۸۵	۵۶/۴۶۵	۶
۱/۷۲۵	۴/۴۲۳	۶۰/۸۸۸	۷
۱/۵۹۵	۴/۰۸۹	۶۴/۹۷۷	۸
۱/۲۹۳	۳/۳۱۶	۶۸/۲۹۳	۹
۱/۲۱۹	۳/۱۲۵	۷۱/۴۱۸	۱۰

۳-۴. برآورد سرمایه فرهنگی

از آنجایی که هدف اصلی این مقاله برآورد سرمایه فرهنگی است، مهم‌ترین مرحله تحلیل عاملی، مرحله ساختن مقیاس از متغیر سرمایه فرهنگی است که متغیر پنهان است. یکی از روش‌های ساختن مقیاس در تحلیل عاملی، استفاده از روش مقیاس عامل است. در این روش به تفکیک سال برای هر یک از استان‌ها در ارتباط یا هر یک از ۱۰ عامل، امتیاز عاملی محاسبه می‌شود که نشان‌دهنده رتبه آن استان در عامل مورد نظر است. سپس شاخص

ترکیبی از این امتیازات که در واقع میانگین آنهاست، رتبه استان‌ها در سرمایه فرهنگی را نشان خواهد داد. امتیاز عاملی در واقع عبارت است از: عددی که پس از ضرب بارهای عاملی در مقدار شاخص اصلاح شده از طریق استاندارد کردن به دست می‌آید. برای این کار ابتدا باید ماتریس اطلاعات اولیه را استاندارد نمود و سپس در ماتریس بارهای عاملی ضرب کرد تا متناسب با تعداد عامل‌های ایجاد شده برای هر بخش امتیازات عاملی محاسبه گردد که عملیات مذکور توسط نرم افزار spss22 به صورت خودکار انجام می‌گیرد.

پس از میانگین‌گیری، از ۱۰ عامل به دست آمده، و با توجه به کمترین میانگین حاصل، تمامی آنها را با یک عدد ثابت جمع می‌کنیم تا میانگین‌ها از حالت منفی خارج شوند. پس از عملیات مذکور، بیشترین عدد استخراج شده را به عنوان پایه و معادل ۱۰۰ در نظر گرفته شده و سایر اعداد حاصله را بر پایه ۱۰۰ تعدیل می‌کنیم. خروجی محاسبات، در جدول شماره ۳ آمده است. در مجموع ۹ سال، بالاترین سرمایه فرهنگی مربوط به استان مرکزی در سال ۱۳۹۱ است که نمره ۱۰۰ را به خود اختصاص داده و پایین‌ترین سرمایه فرهنگی نیز مربوط به استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۸۹ با نمره ۱/۸۷ است.

Archive

جدول ۳. برآورد سرمایه فرهنگی (۹۱-۱۳۸۷)

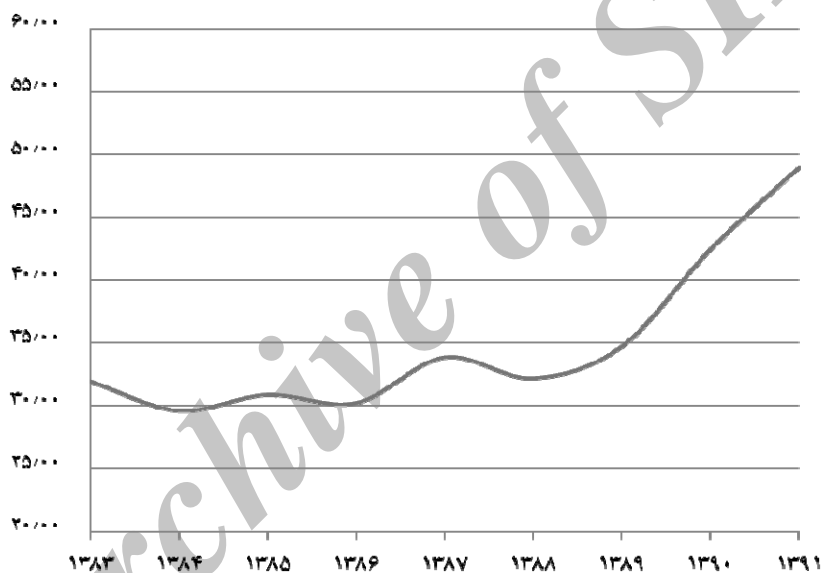
سال ۱۳۹۱		سال ۱۳۹۰		سال ۱۳۸۹		سال ۱۳۸۸		سال ۱۳۸۷	
سرمایه فرهنگی	نام استان	سرمایه فرهنگی	نام استان	سرمایه فرهنگی	نام استان	سرمایه فرهنگی	نام استان	سرمایه فرهنگی	نام استان
۱۰۰/۰۰	مرکزی	۸۴/۰۶	سمنان	۷۱/۲۸	ایلام	۵۷/۷۶	یزد	۵۹/۲۶	سمنان
۸۱/۳۳	سمنان	۸۱/۵۲	مرکزی	۶۳/۲۱	سمنان	۵۶/۵۶	سمنان	۵۴/۶۳	یزد
۷۵/۱۱	یزد	۷۱/۶۳	یزد	۵۹/۸۲	مرکزی	۵۳/۸۳	مرکزی	۵۱/۷۸	خراسان شمالی
۶۶/۶۴	کهگیلویه و بویر احمد	۶۲/۸۴	کهگیلویه و بویر احمد	۵۵/۱۴	خراسان شمالی	۴۸/۱۱	ایلام	۴۶/۰۹	مرکزی
۶۳/۵۵	خراسان جنوبی	۵۶/۱۹	خراسان شمالی	۵۲/۶۰	یزد	۴۲/۸۶	خراسان جنوبی	۴۴/۷۲	همدان
۵۹/۵۸	ایلام	۵۳/۹۳	خراسان جنوبی	۳۹/۹۱	اصفهان	۴۱/۱۱	خراسان شمالی	۴۱/۴۹	خراسان جنوبی
۵۵/۹۲	خراسان شمالی	۵۱/۴۷	ایلام	۳۷/۷۳	قزوین	۳۷/۱۱	اصفهان	۳۹/۰۴	بوشهر
۵۴/۷۳	گلستان	۴۴/۰۲	گلستان	۳۵/۹۲	گلستان	۳۶/۹۰	گلستان	۳۸/۹۰	گلستان
۵۴/۷۳	قزوین	۴۲/۳۶	لرستان	۳۵/۷۶	خراسان جنوبی	۳۵/۸۰	کهگیلویه و بویر احمد	۳۶/۹۹	اصفهان
۵۴/۲۲	چهارمحال و بختیاری	۴۰/۸۷	قزوین	۳۵/۷۵	همدان	۳۳/۹۰	همدان	۳۵/۰۸	گیلان
۴۸/۸۳	همدان	۳۹/۴۴	چهارمحال و بختیاری	۳۴/۵۹	بوشهر	۳۳/۱۱	چهارمحال و بختیاری	۳۴/۳۰	خراسان رضوی
۴۷/۶۴	اصفهان	۳۹/۳۹	همدان	۳۳/۳۸	چهارمحال و بختیاری	۳۲/۷۰	خراسان رضوی	۳۴/۲۸	ایلام
۴۶/۲۰	کرمانشاه	۳۹/۱۵	اصفهان	۳۲/۶۹	خراسان رضوی	۳۱/۷۲	گیلان	۲۹/۵۱	کهگیلویه و بویر احمد
۴۴/۸۴	گیلان	۳۸/۹۹	خراسان رضوی	۲۹/۸۶	کردستان	۳۱/۶۷	بوشهر	۲۹/۱۸	اردبیل
۴۳/۰۶	خراسان رضوی	۳۵/۹۸	بوشهر	۲۸/۵۴	لرستان	۲۸/۸۷	قزوین	۲۹/۰۱	قزوین
۴۰/۰۴	بوشهر	۳۵/۰۹	کرمانشاه	۲۸/۴۲	گیلان	۲۳/۷۷	لرستان	۲۸/۶۰	آذربایجان غربی
۳۹/۶۸	کردستان	۳۳/۰۳	کرمان	۲۶/۳۳	کهگیلویه و بویر احمد	۲۳/۷۱	آذربایجان شرقی	۲۸/۰۰	چهارمحال و بختیاری
۳۷/۴۷	اردبیل	۳۲/۶۶	گیلان	۲۶/۲۵	آذربایجان شرقی	۲۱/۷۱	کرمانشاه	۲۶/۳۵	کرمان
۳۷/۳۶	لرستان	۳۲/۴۲	کردستان	۲۵/۴۶	کرمانشاه	۲۰/۷۳	کرمان	۲۵/۹۸	آذربایجان شرقی
۳۳/۲۵	زنجان	۲۹/۵۶	آذربایجان شرقی	۲۲/۸۵	زنجان	۲۰/۶۲	زنجان	۲۵/۳۲	لرستان
۳۰/۲۲	آذربایجان شرقی	۲۸/۷۵	اردبیل	۲۰/۳۳	اردبیل	۱۸/۵۸	آذربایجان غربی	۲۳/۱۷	کرمانشاه
۲۸/۵۰	کرمان	۲۲/۵۱	زنجان	۱۸/۳۶	کرمان	۱۸/۱۱	اردبیل	۲۳/۰۸	زنجان
۲۳/۰۱	آذربایجان غربی	۱۷/۸۹	آذربایجان غربی	۱۶/۹۴	آذربایجان غربی	۱۶/۴۶	کردستان	۲۰/۷۷	کردستان
۹/۰۵	سیستان و بلوچستان	۴/۳۴	سیستان و بلوچستان	۱/۸۷	سیستان و بلوچستان	۶/۶۸	سیستان و بلوچستان	۶/۹۲	سیستان و بلوچستان
۴۸/۹۵	میانگین	۴۲/۴۲	میانگین	۳۴/۷۱	میانگین	۳۲/۱۸	میانگین	۳۳/۸۵	میانگین
۱۴/۶۸	انحراف معیار	۱۳/۸۶	انحراف معیار	۱۱/۶۷	انحراف معیار	۱۰/۳۰	انحراف معیار	۹/۱۹	انحراف معیار

جدول ۴. برآورد سرمایه فرهنگی (۸۶-۱۳۸۳)

سال ۱۳۸۶		سال ۱۳۸۵		سال ۱۳۸۴		سال ۱۳۸۳	
سرمایه فرهنگی	نام استان	سرمایه فرهنگی	نام استان	سرمایه فرهنگی	نام استان	سرمایه فرهنگی	نام استان
۵۷/۲۱	سمنان	۶۰/۱۵	سمنان	۶۰/۱۱	سمنان	۶۳/۹۴	سمنان
۴۹/۰۳	یزد	۵۴/۰۶	یزد	۶۰/۰۹	یزد	۵۹/۹۹	یزد
۴۱/۹۵	همدان	۵۰/۹۲	خراسان جنوبی	۴۴/۷۶	بوشهر	۵۵/۶۰	بوشهر
۴۱/۷۱	خراسان رضوی	۴۷/۲۵	بوشهر	۴۴/۶۸	خراسان رضوی	۵۱/۹۲	خراسان رضوی
۴۰/۶۷	خراسان شمالی	۳۷/۹۱	گیلان	۳۶/۱۶	گلستان	۴۲/۸۲	گیلان
۳۸/۶۹	گلستان	۳۷/۷۳	همدان	۳۴/۵۴	اصفهان	۴۱/۲۷	گلستان
۳۶/۴۵	خراسان جنوبی	۳۶/۸۵	اصفهان	۳۳/۸۶	خراسان جنوبی	۳۶/۹۹	اصفهان
۳۶/۱۹	مرکزی	۳۶/۷۴	ایلام	۳۳/۸۴	گیلان	۳۶/۹۰	مرکزی
۳۳/۹۰	اصفهان	۳۶/۰۱	خراسان رضوی	۳۱/۶۸	همدان	۳۲/۰۳	کرمان
۳۲/۸۹	بوشهر	۳۳/۵۶	گلستان	۳۱/۲۹	مرکزی	۳۱/۹۳	خراسان جنوبی
۳۲/۲۵	گیلان	۳۳/۳۱	مرکزی	۲۸/۴۶	ایلام	۳۱/۴۹	همدان
۳۲/۰۵	ایلام	۲۷/۱۵	زنجان	۲۶/۱۸	قزوین	۲۸/۵۶	ایلام
۲۹/۸۱	کهگیلویه و بویر احمد	۲۶/۵۸	خراسان شمالی	۲۴/۵۳	زنجان	۲۷/۲۳	آذربایجان شرقی
۲۸/۷۳	آذربایجان غربی	۲۵/۶۱	چهارمحال و بختیاری	۲۴/۴۹	آذربایجان شرقی	۲۵/۳۲	کردستان
۲۶/۳۱	چهارمحال و بختیاری	۲۵/۲۱	کهگیلویه و بویر احمد	۲۴/۳۸	خراسان شمالی	۲۳/۹۰	قزوین
۲۵/۴۳	کرمانشاه	۲۴/۸۸	لرستان	۲۳/۷۹	لرستان	۲۳/۷۹	کرمانشاه
۲۴/۹۰	لرستان	۲۴/۱۵	آذربایجان شرقی	۲۳/۵۲	چهارمحال و بختیاری	۲۳/۵۸	چهارمحال و بختیاری
۲۴/۲۶	قزوین	۲۳/۱۳	کرمانشاه	۲۱/۸۷	کرمانشاه	۲۲/۸۵	زنجان
۲۲/۹۵	آذربایجان شرقی	۲۲/۸۵	قزوین	۲۰/۴۸	کرمان	۲۰/۲۷	آذربایجان غربی
۱۷/۸۱	زنجان	۲۲/۴۹	کردستان	۱۶/۷۶	اردبیل	۱۹/۹۰	سیستان و بلوچستان
۱۷/۶۲	کرمان	۱۸/۲۳	اردبیل	۱۶/۷۱	کهگیلویه و بویر احمد	۱۸/۶۳	لرستان
۱۴/۲۷	کردستان	۱۵/۸۱	آذربایجان غربی	۱۶/۴۹	کردستان	۱۷/۱۰	خراسان شمالی
۱۳/۷۴	اردبیل	۱۵/۰۳	کرمان	۱۶/۲۹	آذربایجان غربی	۱۶/۴۴	کهگیلویه و بویر احمد
۶/۳۳	سیستان و بلوچستان	۵/۶۱	سیستان و بلوچستان	۱۵/۵۰	سیستان و بلوچستان	۱۴/۱۹	اردبیل
۳۰/۲۱	میانگین	۳۰/۸۸	میانگین	۲۹/۶۰	میانگین	۳۱/۹۴	میانگین
۹/۲۰	انحراف معیار	۱۰/۴۰	انحراف معیار	۹/۵۸	انحراف معیار	۱۱/۱۷	انحراف معیار

۴-۴. استخراج روند سرمایه فرهنگی

جهت استخراج روند سرمایه فرهنگی در دوره مورد بررسی، میانگین شاخص سرمایه فرهنگی کل استان‌ها در دوره مورد بررسی مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج مورد نظر در نمودار ۱ آورده شده است. بر این اساس، سرمایه فرهنگی علی‌رغم نوساناتی که در برخی سال‌ها داشته است، روندی افزایشی طی می‌کند. میانگین سرمایه فرهنگی در بالاترین حد خود به عدد ۴۸/۹۵ می‌رسد که همچنان از بالاترین حالت این شاخص یعنی عدد ۱۰۰، فاصله زیادی دارد و توجه ویژه کارگزاران فرهنگی در این زمینه را می‌طلبد.



نمودار ۱. روند سرمایه فرهنگی در ایران

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در گذشته اکثر اقتصاددانان بر تشکیل سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی به‌عنوان عامل اصلی افزایش‌دهنده تولید ناخالص داخلی تأکید داشتند، اما در حال حاضر اهمیت سرمایه فرهنگی به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر تولید ناخالص داخلی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است، به نحوی که یافته‌های جدید در زمینه اقتصاد فرهنگ، تأکید می‌کند:

سرمایه گذاری در فرهنگ و به عبارت بهتر سرمایه فرهنگی، می تواند یکی از عوامل مهم مؤثر بر تولید ناخالص داخلی باشد. بنابراین تخمین و برآورد سرمایه فرهنگی در کشور از اهمیت بالایی برخوردار است تا در مطالعات مرتبط اقتصادی به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر تولید ناخالص داخلی و رشد آن به کار گرفته شود. در این مقاله، تلاشی در جهت کمی سازی و محاسبه سرمایه فرهنگی در میان استان های ایران انجام شده است. به همین منظور اطلاعات مرتبط با فرهنگ مربوط به ۲۴ استان کشور در قالب ۵ شاخص (شامل ۳۶ متغیر) در دوره ۹۱-۱۳۸۳ گردآوری و پس از انجام آزمون های آماری لازم، با استفاده از روش تحلیل عاملی، شاخص سرمایه فرهنگی محاسبه شد. یافته های تحقیق نشان می دهد: بالاترین سرمایه فرهنگی به ترتیب مربوط به استان های مرکزی در سال ۱۳۹۱، سمنان در سال ۱۳۹۰ و مرکزی در سال ۱۳۹۰ با نمره ۱۰۰، ۸۴/۰۶ و ۸۱/۵۲ است و پایین ترین سرمایه فرهنگی نیز مربوط به استان سیستان و بلوچستان به ترتیب در سال های ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۸۵ با نمره ۱/۸۷، ۴/۳۴ و ۵/۶۱ بوده است. همچنین بررسی میانگین سرمایه فرهنگی در کل کشور بیان کننده روند افزایشی آن است، با این حال بالاترین میانگین سرمایه فرهنگی در کشور که مربوط به سال ۱۳۹۱ با عدد ۴۸/۹۵ است که نسبت به بالاترین عدد این شاخص یعنی عدد ۱۰۰، فاصله زیادی دارد.

از آنجایی که جهت افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه و به دنبال آن توسعه اقتصادی، یکی از مواردی که نیاز داریم، افزایش سرمایه فرهنگی است. توجه به مبانی فرهنگی و اخلاقی و ارزشی در جهت استحکام بخشیدن به روابط انسانی و تقویت انسجام اجتماعی و فرهنگی و کاهش اختلاف در سرمایه فرهنگی مناطق مختلف می تواند در جهت دستیابی به رشد اقتصادی و به دنبال آن توسعه اقتصادی مفید و مؤثر باشد. بنابراین بررسی نقاط قوت استان های دارای سرمایه فرهنگی بالاتر و تسری آن به استان های دارای سرمایه فرهنگی پایین تر می تواند ما را در رسیدن به هدف مورد نظر یاری نماید.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. ادیسی، افسانه، احسان رحمانی خلیلی و سیده نرگس حسینی امین (۱۳۹۱). «سرمایه فرهنگی خانواده و ذائقه فراغتی دانشجویان با رویکرد نظری بوردیو (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تهران)»، فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، شماره پنجم: ۵۰-۲۷.
۲. اقلیما، مصطفی و اعظم ابراهیم نجف‌آبادی (۱۳۹۰). «بررسی تأثیر میزان سرمایه فرهنگی در میزان احساس شادی زنان جوان (۱۵-۲۴ ساله) در شهر اصفهان»، جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال دوم، شماره اول: ۲۴-۱.
۳. بهرامی، محمد (۱۳۸۷). «نسبت دین و فرهنگ از نگاه قرآن»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، تابستان و پاییز، شماره ۵۴ و ۵۵: ۲۰۴-۱۷۲.
۴. تراسی، دیوید (۱۳۹۲). اقتصاد و فرهنگ، ترجمه کاظم فرهادی، تهران: نشر نی.
۵. چلبی، مسعود و علی جنادله (۱۳۸۶). «بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر موفقیت اقتصادی»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۳: ۱۵۴-۱۱۷.
۶. خارستانی اسماعیل و فاطمه سیفی (۱۳۹۲). «فلسفه انفاق در اسلام»، فصلنامه راهبرد توسعه، شماره ۳۹، پاییز: ۱۳۲-۱۷۱.
۷. دانایی‌فرد، حسن، عادل آذر و علی صالحی (۱۳۸۹). «قانون‌گریزی در ایران، تبیین نقش عوامل سیاسی، اقتصادی، قانونی، مدیریتی و اجتماعی - فرهنگی»، فصلنامه دانش انتظامی، سال یازدهم، شماره سوم: ۶۵-۷.
۸. دواس، دیوید (۱۳۹۱). پیمایش در علوم اجتماعی، ترجمه هوشنگ نائبی، تهران: نشر نی.
۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۴). لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. ژیان‌پور، مهدی، آرش حسن‌پور و علیرضا نیلی (۱۳۹۲). «گشاکش رشته‌ها در میدان دانشگاهی (مقایسه سرمایه فرهنگی رشته‌های چهارگانه دانشگاه دولتی اصفهان)»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و چهارم، شماره پیاپی ۵۱، شماره سوم: ۳۲۱۳-۲۱۳.
۱۱. سپهرنیا رزینا، علی دلاور و سیدرضا صالحی امیری (۱۳۹۱). «بررسی جایگاه صنایع فرهنگی خلاق و رابطه آن با ارتقا سرمایه فرهنگی در ایران»، ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره دوم، شماره ۱، تابستان.
۱۲. سریرافراز، محمد (۱۳۹۰). «واکاوی تعاملات ایشار و رشد اقتصادی با رهیافت سرمایه اجتماعی»، همایش ملی ایشار و شهادت: فرصت‌ها و چالش‌ها در حوزه فرهنگ، همدان: دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۳. شجاعی‌زند، علی رضا (۱۳۷۹). «نظم‌ستیزی و قانون‌گریزی». امنیت، شماره ۱۳۹۱۴، مرداد و شهریور: ۳۲-۳۴.
۱۴. صادقی، حسین، مرتضی عزتی و علی شفیعی (۱۳۹۲). «تخمین تابع انفاق در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، سال سیزدهم، شماره دوم، تابستان: ۸۴-۶۱.
۱۵. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۷). تعالیم اسلام، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، قم: مؤسسه

- بوستان کتاب.
۱۶. عرفان، امیرحسین و علی بیات (۱۳۹۳). «آموزه امت اسلامی در قرآن و بازاندیشی در قابلیت‌های فرهنگی و تمدنی آن»، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال پنجم، تابستان، شماره ۱۵: ۳۰-۷.
۱۷. علی بابایی، یحیی و علی اصغر فیروزجائیان (۱۳۸۸). «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی»، فصلنامه دانش انتظامی، سال هفتم، شماره یازدهم.
۱۸. کاشفی، محمدرضا (۱۳۸۴). دین و فرهنگ، مجموعه مقالات مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران، جلد اول، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۷۹-۱۷۷.
۱۹. کلانتری، صمد، رسول ربانی و کامران صداقت (۱۳۸۴)، «ارتباط فقر با قانون‌گریزی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۱۸، پاییز: ۹۰-۶۵.
۲۰. گول‌دینگ، آن (۱۳۸۸). «کتابخانه‌ها و سرمایه فرهنگی»، ترجمه علیرضا اسفندیاری مقدم و عیسی زارعی، کتاب ماه کلیات، شماره ۱۴۶: ۶۳ تا ۶۰.
۲۱. مؤمنی، پروین (۱۳۸۱). «قانون‌گریزی علل و عوامل آن»، نشریه وکالت. شماره ۵.
۲۲. ماهروی، ابوالحسن (۱۳۸۱). «حقوق و تکالیف شهروندی و قانون‌گریزی شهروندان»، نشریه عدالت، شماره ۱۵.
۲۳. محبوب، سیامک (۱۳۹۱). «کتابخانه‌های عمومی و سرانه مطالعه»، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی، دوره ۱۸، شماره ۱، پیاپی ۶۸، بهار: ۱۳۳-۱۱۷.
۲۴. مردانی نوکنده، محمدحسین (۱۳۹۰)، «نقش فرهنگ شهادت در شکل‌دهی به هویت جوان ایرانی»، همایش ملی فرهنگ ایثار و شهادت، قم: دانشکده اصول الدین.
۲۵. مسعودی، حمید و محسن نوغانی (۱۳۹۲). «تأثیر اردوی راهیان نور بر نگرش رفتاری شناختی دانشجویان نسبت به مقوله شهادت (مطالعه پانل)»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی، سال ۸، شماره ۱۷، پاییز و زمستان: ۱۴۴-۱۲۳.
۲۶. مظلوم خراسانی، محمد و احمدرضا اصغرپور ماسوله (۱۳۸۴). «سنجش میزان سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳ و عوامل مؤثر بر آن»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره دوم، شماره ۲: ۲۱۵-۱۹۳.
۲۷. مکتبی فرد، لیلیا (۱۳۸۵). «نقش کتابخانه‌های عمومی در تحقق اهداف فرهنگی برنامه‌های توسعه‌ای ایران (۱۳۸۳-۱۳۶۸)»، فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، شماره ۶۶.
۲۸. میرحسینی زهره و محمد بهرامی (۱۳۹۱). «بررسی میزان تأثیر کتابخانه تلفنی رنگین کمان شهرداری سمنان بر افزایش فرهنگ مطالعه کودکان و نوجوانان»، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی، دوره ۱۸، شماره ۱، پیاپی ۶۸: ۱۱۵-۱۰۱.
۲۹. نوین، آرمیتا، محمدباقر کجبلغ و مهرنوش فرودستان (۱۳۹۱). «رفتارهای مطلوب اجتماعی و

- ایثارگری در شهروندان اصفهانی»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و چهارم، شماره پیاپی ۵۰، شماره دوم، تابستان: ۲۰۱-۲۲۰.
۳۰. نورآذر، شاپور و سیاوش پورطهماسبی سیاوش (۱۳۸۹). «ایثار و شهادت و نقش آن در توسعه کشور»، مجموعه مقالات همایش ملی ادب ایثار، هنر شهادت، اراک: دانشگاه آزاد اسلامی.
۳۱. نیک‌آفرین، مهدی و فاطمه جان‌احمدی (۱۳۹۲). «پیامدها و نتایج مهندسی فرهنگی امام صادق علیه السلام»، فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال چهارم، بهار، شماره ۱۰: ۵۶-۲۹.

ب) منابع لاتین

1. Bellini, Elena, Giovanni Prarolo, Gianmarco I.P. Ottaviano & Dino Pinelli (2013). "Cultural Diversity and Economic Performance: Evidence from European Regions", R. Crescenzi and M. Percoco (eds.), *Geography, Institutions and Regional Economic Performance, Advances in Spatial Science*.
2. Bourdieu, Pierre (1986). *The Forms of Capital*, in: J. G. Richardson, *Handbook for Theory and Research for Sociology of Education*, New York, Greenwood.
3. Bucci, Alberto, Segre Giovanna (2011). "Culture and Human Capital in a Two-sector Endogenous Growth Model", *Research in Economics*, vol. 65 (4) : 279-293 .
4. Gaddis S., Michael (2013). "The Influence of Habitus In The Relationship Between Cultural Capital and Academic Achievement", *Social Science Research* , No. 42: 1-13 .
5. Gorodnichenko, Yuriy & Roland, Gerard (2010). "Culture, Institutions and the Wealth of nations," *IZA Discussion Paper* , No. 5187: 1-49.
6. Guido, Tabellini (2010). "Culture and Institutions: Economic Development in the Regions of Europe" , *Journal of the European Economic Association* , Vol.8, Issue 4: 677-716 .
7. Landes, David S. (1998). *The Wealth and Poverty of Nations: Why Some Are So Rich and Some So Poor*, New york: w. w. Norton
8. Pedroni, Peter & Stephen Sheppard (2012). *Culture Shocks and Consequences: the connection Between The Arts and Urban Economic Growth*, Department of Economics Working Papers, Department of Economics, Williams College .
9. Throsby, David (1999). " Cultural Capital", *Journal of Cultural Economics*, No 23: 3-12 .
10. Tramonte, Lucia, Willms J. Douglas (2010). "Cultural Capital and Its Effects on Education Outcomes", *Economics of Education Review*, No 29: 200-213 .
11. Ye, Zhen (2013). *The Impact of Cultural Diversity on Economic Growth in China*, The Ohio State University, Department of Economics Honors Theses.